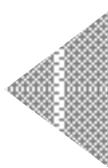


آقایان حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی‌اکبری^۱، سیداحسان خاندوزی^۲، دکتر محمد خوش‌چهره^۳، دکتر محمدرحیم عیوضی^۴، مهندس محمدحسین ملایری^۵، دکتر میثم موسایی^۶، دکتر مهدی ناظمی اردکانی^۷ و مهندس سیدمرتضی نبوی^۸ در میزگرد علمی راهبرد یاس

سرمایه اجتماعی و توسعه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. به لطف خدا تا کنون با هدف مقدمه‌سازی برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، مسایل مختلفی را در میزگردهای سابق به بحث و بررسی گذاشتیم که از آن جمله‌اند: الگوی توسعه ملی، چستی توسعه و توسعه دینی، عامل و هدف توسعه، موضوع توسعه (انسان)، بایستگی‌های عدالت و نسبت آن با توسعه، بازشناسی جهانی شدن و پیامدهای آن، آموزندگی‌های تجربیات کشورهای نوصنعتی برای ایران امروز، چشم‌انداز؛ کندوکاو در پرسش‌های بنیادین، پیش‌نیازهای سیاسی امنیتی برای تحقق چشم‌انداز، اقتصاد سیاسی (سیر تاریخی و نظریه‌ها)، اقتصاد سیاسی (ایران)، اقتصاد اسلامی، رابطه نفت، دولت و توسعه، نظام سیاسی، فرآیند تصمیم‌گیری و توسعه.

«سرمایه اجتماعی» اگر چه از مباحث متأخر در توسعه است ولی اهمیت آن، ما بر آن داشت که میزگردی را با موضوع «سرمایه اجتماعی و توسعه» در خدمت اساتید محترم

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

۴- عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۵- عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

۶- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

۷- عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

۸- عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

باشیم. در این میزگرد بدنبال پاسخی برای این پرسش‌ها هستیم:

۱. تعریف و مفهوم سرمایه اجتماعی چیست؟
۲. نظریه‌ها، الگوها و مدل‌های سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟
۳. عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در ایجاد و تقویت و یا تضعیف و تخریب سرمایه اجتماعی کدامند؟
۴. شاخص‌های سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟
۵. کارکردهای سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟
۶. وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران چگونه است؟ (نقاط قوت و ضعف، چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)

۷. چه راهبردهایی برای تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی وجود دارد؟

۸. راهبردهای استفاده از سرمایه اجتماعی برای توسعه چیست؟

در این میزگرد بدنبال پایه‌های اصلی و ریشه‌های سرمایه اجتماعی هستیم که بعد بررسی کنیم کدامیک در کشور ما دارای وضعیت مناسبی هستند و کدامیک خیر. در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، گاهی اینطور بوده که مردم با حضورشان، تحولات اساسی را مانند انقلاب ایجاد می‌کنند که این امر حاکی از وجود یک سرمایه اجتماعی بالا است. گاهی هم همین مردم اعتماد لازم را به یکدیگر ندارند و تحلیل این دو با هم مشکل است.

جناب آقای خاندوزی، به نظر حضرتعالی قبل از پرداختن به تعریف، چه پیشینه تاریخی را برای سرمایه اجتماعی می‌توان سراغ گرفت؟ بفرمایید.

سید احسان خاندوزی: در مورد سیر پیدایش مفهوم سرمایه اجتماعی می‌توان گفت اولین مرتبه‌ای که از این مفهوم استفاده شد، حدود هفتاد سال پیش توسط صاحب‌نظری در حوزه علوم آموزشی و تربیتی بود که مسئولیت آموزشی مدارس ویرجینیای غربی را به عهده داشته است. او در بیان این مسأله از واژه «سرمایه اجتماعی» استفاده کرده تا نشان بدهد براساس تحقیقات، مدارس و مناطقی که اولیاء دانش‌آموزان، ارتباطات بیرونی خوبی دارند و دانش‌آموزان هم در مدرسه تعاملات خوبی داشته و مشارکتشان در انجام کارها بالا است، این دانش‌آموزان در شرایط برابر آموزشی در مقایسه با موارد مشابه، دارای بازدهی آموزشی بالاتری هستند.

بعد از این مسأله تا چند دهه صحبت از سرمایه‌اجتماعی جدی گرفته نشد تا اینکه در دهه ۱۹۵۰ میلادی که ژاکوب کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ در آمریکا» را نوشت و بحث سرمایه

اجتماعی را به حوزه مسایل شهری وارد کرد. از این به بعد است که سرمایه اجتماعی به صورت جدی وارد مفهوم‌شناسی حوزه جامعه‌شناسی می‌شود؛ یعنی ماهیتاً سرمایه اجتماعی ابتدا در مباحث جامعه‌شناسی شکل گرفت و بعد به سایر حوزه‌ها هم سرایت کرد. اگر کسانی مانند بوردیو و کلمن در این مورد صحبت کرده‌اند، از این حوزه بوده است و تقریباً در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی بود که افرادی مانند پاتنام، بحث سرمایه اجتماعی را وارد حوزه علوم سیاسی و تحلیل‌های مربوط به مشارکت سیاسی مردم کردند. پاتنام، تحلیل مربوط به منطقه شمال و جنوب ایتالیا را انجام داد و کتاب «بولینگ تنهایی» را در امریکا پیاده کرد. افرادی مانند فوکویاما بیشتر به جنبه‌های اقتصادی سرمایه اجتماعی پرداختند، بانک جهانی هم مجموعه مقالاتی را در این زمینه در اواخر دهه ۹۰ میلادی تألیف کرد.

اما نکته مهمی که معروف‌تر است، چه در تبیین جامعه‌شناسی از سرمایه اجتماعی و چه در تبیین علوم سیاسی و یا تبیین اقتصادی، مبتنی بر کلید واژه‌هایی است که هر قدر شبکه روابط اجتماعی قوی‌تر باشد، باورها و هنجارهای ویژگی‌های خاصی را داشته و بویژه رابطه اعتماد میان مجموعه‌ای قوی‌تر باشد، گفته می‌شود که آن جامعه از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار است. مثال معروفی که در کتاب‌های کلاسیک باعث مطرح شدن این موضوع بود، این است که در بازارهای الماس نیویورک برای اولین بار این مسأله زیاد مطرح شد که سرعت گردش و مبادلات بالا بود و بازار، عملکردی کارا داشت و به دلیل اعتماد بالا، با کمترین هزینه مبادلات انجام می‌شد. بررسی‌های انجام شده نشان داد که چون عمده بازار در اختیار یهودی‌ها بود و آنها روابط دینی و خانوادگی قوی و فراتر از حوزه بازار با یکدیگر دارند، هزینه معاملات هم کاهش پیدا می‌کند و روابط به خوبی و با کمترین هزینه برقرار می‌گردید. در اختیار یکدیگر قرار دادن کیسه‌های الماس میان یهودیان به دلیل اعتماد بالایی که به هم داشتند، بازار بسیار خوبی را برای آنها ایجاد کرده بود.

در مورد بعد اقتصادی سرمایه اجتماعی، مدخل دیگری را هم می‌توان در نظر گرفت که به اثر سرمایه اجتماعی بر بهبود تولید و توزیع پرداخته و منوط به دیدگاهی است که به تلقی اولیه در مورد توسعه و صنعتی شدن مربوط است. کار معروفی را دنیسون در مورد حسابداری رشد انجام داده تا بررسی کند که چند درصد از رشد اقتصادی کشورها به نیروی کار یا سرمایه آنها برمی‌گردد. یعنی سهم نیروی کار و سرمایه در رشد اقتصادی چقدر است. یکی از یافته‌های دنیسون این بود که مجموع تأثیرگذاری نیروی کار و سرمایه بر رشد اقتصادی داشته است،

نمی‌تواند صد درصد رشد اقتصادی را توجیه کند. یعنی درصدی از رشد اقتصادی وجود دارد که نه در نتیجه نیروی کار است و نه سرمایه. از این زمان به بعد زمینه‌ای در اقتصاد ایجاد شد که به دنبال عواملی فراتر از نیروی کار و سرمایه بگردند که بتواند رشد اقتصادی را توجیه کند مثل اثر تکنولوژی. از جمله مفاهیمی که در دهه هفتاد مورد توجه قرار گرفت، مفهوم سرمایه انسانی بود که در کنار بحث از خود نیروی کار، «توانمندی‌ها و مهارت‌های نیروی کار» هم تحت عنوان نیروی انسانی نیز مورد توجه قرار گرفت که در آثار افرادی مانند لوکاس تبلور یافت. با این حال به نظر می‌رسد که بخش‌هایی از رشد اقتصادی بدون تبیین و توضیح همچنان باقی مانده است که در تلاش‌های اخیر، سعی شده است که شاخصی برای سرمایه اجتماعی ساخته و از آن هم در تبیین رشد اقتصادی، کمک بگیرند.

در ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه، سرمایه اجتماعی را به سرمایه اجتماعی مثبت و سرمایه اجتماعی منفی، تقسیم می‌کنند. سرمایه اجتماعی مثبت عبارتست از سرمایه‌ای که کارکردی افزایشی و بهبود در توسعه دارد و سرمایه اجتماعی منفی، سرمایه‌ای است که تأثیر منفی بر روند توسعه می‌گذارد، مانند وفاداری و اعتماد نسبت به اهداف منفی یا پایداری افراطی به شبکه قومی و نژادی و فرقه‌ای.

دکتر خوش‌چهره: یک تلقی اشتباه وجود دارد که سرمایه اجتماعی جدیداً کشف شده ولی اینطور نیست، بلکه واقعیتی قدیمی است که از منظر علوم‌ی مانند جامعه‌شناسی و اقتصاد توسعه که اخیراً مشکل تبیین علمی پیدا نموده، در حال تبیین شدن است. مثلاً در کارکردهای اقتصادی گذشته مانند معاملات، تجارت و داد و ستد، اعتماد متقابل به عنوان عنصری محوری در ادبیات سرمایه اجتماعی وجود داشته است. البته مثال‌های متعدد دیگری در سایر قلمروها وجود دارد که مبین قدمت و سابقه سرمایه اجتماعی است. امروزه در شبکه اقتصادی فعلی ما، ضمانت‌های سنگینی برای اندکی وام دریافت می‌گردد که ریسک و هزینه مبادله را بسیار بالا می‌برد و خود مانعی برای شتاب رشد توسعه است.

در بحث از سرمایه اجتماعی برای جلوگیری از تلقی اشتباه از معنای توسعه، بهتر است آن را تحول و پیشرفت بنامیم. توسعه در این معنی مستلزم بستری است که سرمایه اجتماعی آن را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی هم می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آیه قرآن هم اشاره می‌کند که «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العداوان». همبستگی، تعاون و مشارکت وقتی خوب

است که با رعایت تقوی باشد و قرآن تعاون منفی را نفی می کند.

مهندس سیدمرتضی نبوی: در بحث مفهومی، کلمه «سرمایه» را که با پسوند «اجتماعی» بکار برده اند، به نوعی این سرمایه را با سایر انواع سرمایه مقایسه کرده اند. چون نگاه اول به توسعه، عمدتاً نگاهی اقتصادی بوده است، در مورد انسان هم به سرمایه انسانی و در اجتماع هم به سرمایه اجتماعی اشاره شده است. این مطلب تبدیل به ادبیاتی شده است که چون سرمایه کارکردی دارد که با آن می توان اقتصاد را به حرکت درآورد. خود این اسم گذاری این جهت را هم نشان می دهد که چگونه می توان چنین سرمایه ای را مصرف کرد که بتوان با آن کارهای بزرگی را انجام داد.

دکتر خوش چهره: در مورد سیر تحول سرمایه به عنوان عامل پیشبرنده، در نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک، بیشتر سرمایه مادی مطرح است. بحث انباشت سرمایه، تمرکز سرمایه و ... در سیر تحول سرمایه به مباحث سرمایه انسانی، سرمایه علمی و سرمایه اجتماعی، منجر گردید. جواب این سؤال بیشتر منوط به انجام سایر بحث ها است. در انتهای بحث می توان دید که چگونه امام (ره) با استفاده از مشارکت و باور و اعتماد، تغییر یک رژیم را شکل می دهد. حضرت امام (ره) این باور و اعتماد مورد نیاز را در کار خودش ایجاد کرد ولی ما چنین اعتمادی را در سایر کارها تعریف نکرده ایم و یا اعتماد را با اشتباهاتی دیگر، از بین برده ایم.

راهبر
جناب آقای دکتر ناظمی! حضرتعالی در مورد تعریف و مفهوم سرمایه اجتماعی چه نظری دارید؟

دکتر مهدی ناظمی اردکانی: واژه سرمایه اجتماعی، واژه ای است که دیگران آن را ساخته و تلاش کرده اند ایرادات و کمبودهای توسعه را از این طریق جبران کنند. بحث سرمایه اجتماعی برای غرب هم مبحثی نو و جدید است و به بسیاری از مسایل آن پرداخته نشده است. سرمایه های هر جامعه را می توان به ۴ دسته سرمایه تقسیم کرد: سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی؛ ولی از میان این ۴ سرمایه، کیفی ترین و مؤثرترین سرمایه، سرمایه اجتماعی است. در زمانی، سرمایه طبیعی ثروتمندی جوامع و کشورها را مشخص می کرد و در زمانی دیگر سرمایه فیزیکی این نقش را پیدا کرد. در قرن اخیر روی سرمایه های انسانی تأکید زیادی شد و مباحث توسعه انسانی موقعیت خوبی پیدا کرد و سرمایه انسانی موضوعیت

پیدا یافته و مزیت نسبی جوامع و انسان‌ها را به سرمایه انسانی نسبت دادند و رشد انسانی را مدنظر قرار دادند.

این مطلب نشان داد که وقتی انسان در علم رشد پیدا می‌کند، به بصیرت‌هایی نیز می‌رسد و به عناصر اصلی جوامع توجه می‌کند، ولی قطعاً وجود سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی مناسب هم نمی‌تواند جوامع و انسان‌های این جوامع را به سمت سعادت و رشد و پیشرفت واقعی سوق دهد. چون ما زمانی انسان را سعادت‌مند می‌یابیم که نیازهای او به صورت جامع و متعادل پاسخ داده شده باشد. یعنی صرفاً با سرمایه طبیعی و سرمایه انسانی نمی‌توان این نیازها را به صورت جامع و متعادل تأمین کرد چون انسان موجودی فراتر از موجودات ذی‌حیات دیگر است. بنابراین به سرمایه دیگری نیازمند است که نام آن را سرمایه اجتماعی گذاشته‌اند. سرمایه اجتماعی نسبت به سایر سرمایه‌ها هم کیفی‌تر است و هم اثربخش‌تر. انواع سرمایه‌های موجود را بایستی مورد ارزیابی قرار داد که کدام یک از سرمایه‌ها، سرمایه هدف و کدام یک سرمایه ابزار و وسیله هستند؟ سلسله مراتب این سرمایه‌ها چگونه است. به نظر می‌رسد سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی، سرمایه‌هایی ابزاری هستند ولی سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، سرمایه‌های هدف هستند.

سرمایه‌های طبیعی، همان منابع طبیعی است. معادن، آب‌ها، زمین، نفت و ... که بسیاری از کشورها از آنها محروم هستند. کشورهای مسلمان‌نشین معمولاً از سرمایه‌های طبیعی قابل توجهی برخوردار هستند. سرمایه فیزیکی، سرمایه‌ای است که در آن با استفاده از سرمایه طبیعی، ابزار مورد نیاز ساخته می‌شود. ماشین‌آلات مختلف، ساختمان و ... سرمایه فیزیکی را شکل می‌دهد. با این سرمایه فیزیکی است که از سرمایه طبیعی می‌توان برداشت کرد.

تبدیل سرمایه طبیعی به سرمایه فیزیکی برای تولید ثروت بیشتر، به علم و دانش نیاز دارد فلذا در مباحث توسعه با رویکرد اقتصادی غرب، تولید سرمایه فیزیکی دارای موقعیت ویژه‌ای است. بعد از آن نوبت سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی در واقع آن مقدار توانایی انسان‌ها است که از قوه به فعلیت رسیده باشد. سرمایه انسانی، همان توانمندی فردی است که انسان‌ها از نظر جمعی، دانش و مهارت چه مقدار رشد کرده‌اند ولی رشد روانی و فکری دارای شاخص‌های دیگری است که هنوز به عرصه سرمایه انسانی وارد نشده است. اگرچه در شاخص‌هایی مانند امید به زندگی به صورت بسیار کم‌رنگی به چنین مواردی اشاره شده است، از جمله اینکه اگر انسان‌ها از

نظر روانی و فکری، رشد یافته نباشند؛ امیدشان به زندگی کم است. سرمایه اجتماعی از این جهت کیفی و مؤثر است که برآیند دو متغیر یا دو مؤلفه اصلی است: اعتماد و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر. شاید بتوان گفت مفهوم ارائه شده از انسان در سرمایه انسانی کامل نیست و سرمایه اجتماعی مکملی برای سرمایه انسانی است. البته سرمایه اجتماعی زمانی فراهم خواهد شد که بقیه سرمایه‌ها در حد لازم موجود باشند.

راهبرد
آیا اعتماد همان کیفیت ارتباط نیست؟ اگر اینطور باشد نمی‌توان این دو را دو پایه مجزا برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفت.

دکتر ناظمی: اعتماد جنبه درونی دارد که نشان می‌دهد درک انسان‌ها از دیگران چگونه است. اگر درک یک انسان از انسان‌های دیگر این باشد که با او در تضادند و با منافع او مقابله می‌کنند و یا منابع او را تأمین نمی‌کنند، چنین فردی به دیگران اعتماد ندارد. ولی اگر درک یک انسان از دیگران این باشد که انسان‌ها همگی منافع مشترک دارند و در خلقت، سمت و سوی حرکت مشترکی را باید داشته باشند، چنین فردی اصل را بر اعتماد می‌گذارد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در جوامعی که اصل را بر اعتماد می‌گذارند، فرهنگ آن جامعه، بر اساس برادری و اخوت خواهد بود. در فرهنگ اسلامی ما، یکی از هنجارهایی که توصیه می‌شود اجرای عهد اخوت در روز عید غدیر است. این کار، فرآیند کاملاً مؤثری را برای تولید سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌کند. فرهنگ فردگرایی می‌تواند فرهنگی ضداعتماد باشد ولی فرهنگ الهی، اسلامی، و فرهنگ شرقی، فرهنگ جمع‌گرایی و برپایه اعتماد است، فلذا غرب از فرهنگ فردگرایی‌اش، در رنج است.

صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی نظیر فوکویاما، نظرشان این است که غرب از اصل سرمایه اجتماعی‌اش در حال خرج کردن است و این سرمایه روزی تمام خواهد شد و ادامه فرهنگ کنونی غرب باعث خشکیدن چشمه تولید سرمایه اجتماعی در غرب خواهد شد. بحث آنها این است که هر قدر سرمایه اجتماعی کمتر باشد، تولید سرمایه و ثروت در غرب با هزینه‌های بالاتری مواجه خواهد بود. یعنی هر قدر اعتماد و ارتباط کمتر باشد، هزینه تولید کالاهای اقتصادی هم بالا می‌رود.

به نظر من، از تجربه و عبرتی که غرب در مورد سرمایه اجتماعی دارد، بایستی به خوبی

بهره‌برداری کنیم و روی سرمایه اجتماعی تأکید کنیم. اگر در افق چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، به کشوری توسعه‌یافته با رشد اقتصادی بالا اشاره می‌شود، به داشتن هویت اسلامی- انقلابی هم توجه شده است. هویت اسلامی- انقلابی را بایستی با سرمایه اجتماعی حفظ کرد. می‌توان با استفاده از تجارب و شاخص‌های موجود در این مورد، سرمایه اجتماعی را در ایران افزایش داد تا هویت اسلامی- انقلابی مان حفظ گردد.

با تشکر. جناب آقای دکتر عیوضی، جنابعالی چه ویژگی‌هایی را برای مفهوم سرمایه اجتماعی مدنظر دارید؟

دکتر محمدرحیم عیوضی: مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو حوزه نظری و کاربردی بررسی کرد. خواستگاه تفکری این بحث بیشتر با رویکرد غربی وارد ادبیات جامعه‌شناسی شده است، اما در حوزه کاربردی قطعاً بایستی استعدادها و ظرفیت‌های فراتری را در نظر بگیریم. عمده‌ترین شاخص رویکرد غربی در این رابطه، سکولار انگاشتن مفهوم سرمایه اجتماعی است. لازم است برای درک این مفهوم ویژگی‌های آن را برشمرد. اولین ویژگی مفهوم سرمایه اجتماعی، گستردگی و فراگیری آن است. لذا صاحب‌نظران ابعاد مختلفی را برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند. این ابعاد در حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع قابل تعریف است. اختلاف در تعاریف اندیشمندان غربی از سرمایه اجتماعی، نشان از گستردگی و دامنه وسیع این موضوع است.

ویژگی دوم در مورد رشد عظیم بحث سرمایه اجتماعی در چند دهه اخیر است. در فرآیند رشد آن همواره بعد اجتماعی سرمایه اجتماعی سنگین‌تر شده است. افرادی با نگرش‌های مختلف اما با معیار و ملاک‌های جامعه‌شناختی به آن توجه داشته‌اند، مانند فوکویاما که سرمایه اجتماعی را همان ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه می‌داند و یا اندیشمندانی مثل رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی را عامل شکل‌گیری توسعه سیاسی و اجتماعی می‌دانند. او سرمایه اجتماعی را در زیر مجموعه گروه‌های اجتماعی قرار داده که براساس توسعه سیاسی و اجتماعی بررسی خواهد شد. از منظر دیگر می‌توان به رویکردی اشاره داشت که سرمایه اجتماعی را به عنوان نگرش هم‌گرایی اجتماعی می‌داند که زمینه‌هایی را برای تقویت همگرایی‌ها فراهم می‌کند و متولیان تلاش دارند که از چنین وضعیتی در راستای تقویت رابطه دولت و ملت بهره‌برداری کنند. آنچه

که در اینجا مهم است، عنصر روابط اجتماعی است. یعنی سعی و تلاش برای تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و توسعه روابط اجتماعی جهت دستیابی به همبستگی و همگرایی. این نگرش مسبق به سابقه است، مثلاً مارکس در کتاب خود از چنین سرمایه‌ای بحث می‌کند که نیروهایی در جهت ایجاد همبستگی و همگرایی برای بیرون آمدن از اطاعت مبتنی بر اجبار و زور، تلاش می‌کنند. یعنی بیرون آمدن از آن روابط و مقابله با وضعیت اجتماعی مبتنی بر جبر و زوری که بر آنها حاکم است. این تلاش، به مثابه یک رویکرد همگرایی در نظر گرفته می‌شود. رویکرد دیگر، رویکرد ستیز است که در نقطه مقابل همگرایی قرار دارد. در اینجا، گروه‌های اجتماعی جایگزین روابط اجتماعی می‌شود، یعنی نقش گروه‌های اجتماعی در حفظ و تقویت همبستگی مدنظر است. در رویکرد قبل، تقویت روابط مدنظر بود ولی در اینجا تقویت گروه‌های اجتماعی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی برای رسیدن به هدف مطرح است.

در سایر تعاریف مربوط به سرمایه اجتماعی دسته‌ای از تعاریف اشاره دارند که سرمایه اجتماعی، منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از کسانی که در این حوزه و با این نگاه، سرمایه اجتماعی را تعریف می‌کنند، می‌توان بوردیو را نام برد که معتقد است سرمایه اجتماعی بر سه قسم است؛ سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی. نگاه او اینگونه است که سرمایه اجتماعی در جایی ارزش تلقی می‌شود که باعث رشد و توسعه سرمایه اقتصادی باشد. او هر سه نوع سرمایه را مبنی و پایه‌ای برای رشد اقتصادی می‌داند. چنین تعریفی، بیشتر اقتصادی است.

تعریف بعد مربوط به جیمز کلمن است، که بیان می‌کند سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از اجزاء متفاوت ساختارهای اجتماعی است، او فراتر از یک «مورد خاص» به این مسأله نگاه کرده و به جنبه‌های مختلفی از ساختارهای اجتماعی اشاره می‌کند که همگی از آن ساختارها (به عنوان منابع قابل استفاده) بتوانند به دنبال اهداف ارزشی جامعه حرکت کنند. یعنی تعریف جیمز کلمن و امثال آنها، صرفاً یک تعریف کاربردی است.

دیگر نگرش مفهومی، مربوط به تعریف امیل دورکیم و پارسونز است که به اعتماد و ارزش تأکید دارند. وبر نیز بر بحث اعتماد متمرکز می‌شود که ریشه در متن جامعه دارد و مناسبات کاربردی عناصر تأثیرگذار اجتماعی را نشان می‌دهد. یعنی سرمایه‌های اجتماعی را مجموعه‌ای از اعتمادها، هنجارها و شبکه‌هایی می‌دانند که تسهیل‌کننده همکاری افراد یک جامعه است؛ این تعریف در مقابل دو تعریف قبل، دارای نگرشی کاملاً ارزشی و هنجاری است. وبر سرمایه

اجتماعی را مترادف با واژه اعتماد می‌داند. سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد؛ اعتمادی که آثار آن را در روابط اجتماعی می‌توان تجربه کرد و آثار اجتماعی مثبت آن را سنجید. با تأکید بر مفهوم‌شناسی سرمایه اجتماعی هر کدام از این نگرش‌ها مبنای نظریه‌ها و الگوهای نظری در این چارچوب هستند.

بحث دیگر مربوط به برقراری نسبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه است که از بحث‌های مهم در قلمرو مطالعات سرمایه اجتماعی می‌باشد که لازم است در قالب موضوع خاصی بررسی شود. باید توجه داشت این مطلب در تعاریف هم قابل توجه است. یعنی سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای توسعه سیاسی و توسعه اجتماعی است. این طبقه‌بندی از تعاریف، حاکی از تنوع آنها و گستره مفهومی و رشد تعریفی سرمایه اجتماعی است؛ البته خواستگاه‌های بومی نیز بر تبیین نسبت توسعه با سرمایه اجتماعی قطعاً تأثیرگذار هستند.

راهبردی

آقای دکتر ناظمی با اشاره به سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، انسانی و نهایتاً اجتماعی به پایه‌های نظری و اعتقاد اشاره داشتند که این پایه‌های نظری، ارتباطات (کمی و کیفی) را شکل می‌دهد. آقای دکتر عیوضی هم به مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره داشته و دیدگاه‌های فوکویاما، پاتنام، کلمن و پارسونز را مورد اشاره قرار دادند. جناب آقای مهندس ملایری، حضرتعالی سیر تاریخی مفهوم سرمایه اجتماعی را چگونه می‌بینید؟

مهندس ملایری: سابقه سرمایه اجتماعی به سال ۱۹۷۷ میلادی برمی‌گردد که شخصی بنام آقای توری، راجع به اینکه یک جامعه چقدر توان حل مسأله فقر را دارد، بررسی کرد. مسأله او این بود که وقتی فردی احساس فقر می‌کند، جامعه چقدر آمادگی دارد که به او کمک کند. توری در واقع رویکرد حمایت‌گرایانه نسبت به مسأله فقر داشت. او بررسی کرد که چنین فردی چه مقدار شرایط دریافت قرض از دیگران را در اطراف خود می‌یابد. در واقع او اولین بار این واژه را برای چنین قصدی به کار برد. بعداً در سال ۱۹۹۱ میلادی رابرت پاتنام چنین تعبیری را بکار برد. پاتنام در جریان مطالعات خود به مشکلی برخورد. او دید که در ایتالای شمالی و ایتالای جنوبی یک اختلاف جدی وجود دارد و برایش این سؤال مطرح شد که چرا بایستی در کشوری که دین، حکومت و سرزمین یگانه دارد، اختلاف سطح توسعه‌یافتگی مطرح باشد.

او در بررسی‌های خودش به این نتیجه رسید که شهروند ایتالیای شمالی، وقتی دچار مشکل می‌شود، با اطرافیان، دوستان و افراد محله خودش، ارتباطی افقی برقرار می‌کند و مشکل خودش را حل می‌نماید ولی شهروند ایتالیای جنوبی وارد سلسله مراتب دولتی شده و از طریق ارتباط عمودی، خواستار حل مشکل خودش می‌شود. این مطلب سرآغاز بحث‌های تازه‌ای می‌شود که در واقع پاتنام آغازگر آن است.

راهبر جناب آقای دکتر موسایی با توجه به آنچه سایر اساتید در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی فرمودند، حضرت‌عالی چه تکمله‌ای دارید؟ با توجه به سیر تاریخی و مفاهیم ارائه شده به نظر می‌رسد می‌توانیم به سؤال سوم میزگرد در مورد عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی بپردازیم.

دکتر میثم موسایی: به نظر می‌رسد از نظر مفهومی و سابقه موضوع به اندازه کافی بحث شده است. نتیجه‌ای که می‌توان داشت اینکه سرمایه اجتماعی، بحث سیالی است که هنوز هم تعریف کاملی که مورد اتفاق همه باشد، از آن ارائه نشده است. من ابتدا تعریفی را که به نظرم بیشتر مورد اجماع است را بیان کرده و بر مبنای آن بحث خود را ادامه می‌دهم. می‌توان گفت سرمایه اجتماعی، تعاملات مبتنی بر اعتماد اجتماعی است. این تعاملات می‌تواند بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و بین افراد با گروه‌ها و افراد با سازمان‌ها باشد. شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، دارای چند مؤلفه اصلی است:

۱. شبکه‌های ارتباطی؛
۲. اعتماد متقابل؛
۳. انسجام اجتماعی؛
۴. مشارکت.

این سؤال مطرح است که آیا سرمایه اجتماعی، مستقل از سایر سرمایه‌های اجتماعی است یا در کنار سایر سرمایه‌ها، معنی و مفهوم پیدا می‌کند؟ طبیعی است که اگر جامعه، افراد، سازمان‌ها، تعامل اجتماعی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی نباشد، سرمایه اجتماعی مفهوم پیدا نمی‌کند و چون پیدایش جوامع با پیدایش مؤلفه‌های مذکور همراه بوده، لذا می‌توان گفت همه جوامع کم و بیش بهره‌ای از این سرمایه اجتماعی داشته و دارند.

به نظر من عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح کلان، سطح میانی و سطح خرد تقسیم بندی کرد. در هر سه سطح عوامل رامی‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- عوامل هنجاری- اجتماعی ۲- عوامل طبیعی- اثباتی.

عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی

عوامل هنجاری- اجتماعی	ویژگی‌های تاریخی، سطح تولید سیاسی، اقتصادی، میزان توسعه شهر و محله و..	سطح کلان
عوامل اثباتی- طبیعی	ویژگی‌های جغرافیایی، و طبیعی منطقه محل سکونت (مانند تفاوت طبیعت زندگی در کویر و زندگی در کوهستان) و..	سطح کلان
عوامل هنجاری- اجتماعی	نهادهای غیر رسمی، میزان تحصیلات پدر و مادر، مذهب، شغل و زمینه فعالیت و..	سطح میانی
عوامل اثباتی- طبیعی	محیط اجتماعی، انواع رسانه‌ها، نهادهای رسمی آموزش و..	سطح میانی
عوامل هنجاری- اجتماعی	جنس، سن، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مانند احساس دانایی، احساس هویت جمعی، احساس تعلق به قدرت، رضایت از کار که مجموعاً روابط اجتماعی را شکل می‌دهند و ..	سطح خرد
عوامل اثباتی- طبیعی	جنس، سن و ویژگی‌های زیستی- روانی	سطح خرد

در توضیح برخی از موارد مذکور در جدول می‌توان نکاتی را اضافه کرد: تعیین فضای عمومی و فضای خصوصی، تحت تأثیر فضای فیزیکی است. در بررسی عوامل اثباتی طبیعی که سطح کلان مطرح است، تفاوت زندگی در طبیعت کویر و یا طبیعت کوهستان تأثیر جدی بر تغییر فضای فیزیکی و بالتبع روابط اجتماعی می‌گذارد. اگر فضای خصوصی گسترش پیدا کند، تعاملات گسترده‌تر می‌شود. اگر فضای خصوصی محدودتر شود، تعاملات هم کاهش پیدا می‌کند.

در سطوح مختلف، عوامل زیادی تحت عنوان عوامل هنجاری- اجتماعی بر سرمایه اجتماعی

تأثیرگذار هستند که برخی از آنها در جدول ذکر گردیده است. این عوامل کمک می‌کنند که انسجام اجتماعی بوجود بیاید. این موارد هم تحت تأثیر روابط انجمنی، پیوند و اعتماد بین فردی، حمایت اجتماعی و هنجارها و اعتماد اجتماعی هستند که وقتی همه اینها شکل گرفت، پیامد آنها این است که روابط کنشگران تسهیل می‌گردد و انسجام و اعتماد اجتماعی بوجود می‌آید. این موارد دوباره بر سلسله روابط هنجاری و اجتماعی هم اثر می‌گذارد. جامعه‌ای که افراد آن مشارکت‌جو هستند، به تعاملات بیشتر اجتماعی کمک می‌کنند.

این موارد چیزی نیست که مربوط به دنیای امروز باشد، بلکه همیشه وجود داشته است؛ چیزی که بحث سرمایه اجتماعی را امروزه مهم کرده است ناتوانی الگوهای کلاسیک و نئوکلاسیک از حل مشکل توسعه‌نیافتگی بوده است. بر اساس این تئوری‌ها در گذشته این فکر اشتباه وجود داشت که با بزرگ کردن ابعاد اقتصادی، مشکلات ابعاد اجتماعی حل می‌شود. در تئوری‌های رشد، که حدود ۵۰ تئوری قابل توجه در حوزه اقتصاد وجود دارد، ساحت اجتماعی نادیده گرفته نمی‌شد، بلکه حرف این بود که اگر ساحت اقتصادی درست تنظیم شده و رشد ایجاد شود، تعاملات اجتماعی هم شکل می‌گیرد.

ولی این نظر در عمل با شکست مواجه شد چون در خیلی از جوامع رشد اقتصادی بالا رفته ولی فقر در کل گسترده‌تر شده و جامعه بیشتر به هم ریخته شده است. سابقه تاریخی هم نشان می‌دهد که بحران‌های اجتماعی در همین فرآیند تحول، بیشتر شکل گرفته که طرح مباحث مربوط به سیاست‌های اجتماعی صرفاً برای دستیابی به اهداف اقتصادی بوده است. این عدم تعادل در جوامع، بحران ایجاد کرد و به این نتیجه رسیدند که نبودن سرمایه‌ای بنام سرمایه اجتماعی، به این بحران‌ها دامن زده است. از همان جا، این بعد اجتماعی در مباحث توسعه برجسته شد. بحث پاتنام درباره سرمایه اجتماعی از همین جا شروع می‌شود. او به دنبال مطالعه و توضیح اختلاف سطح توسعه جوامع بود و با طرح میزان سرمایه اجتماعی و نقشی که در حل مسائل می‌تواند داشته باشد، از دیدگاه خودش متغیر مجهول را پیدا کرده بود. لذا سعی داشت میزان این سرمایه را در مناطق مختلف ایتالیا اندازه‌گیری و اختلاف سطح توسعه این مناطق را بر اساس این متغیر توضیح دهد.

اندازه گرفتن سرمایه اجتماعی، کار راحتی نیست چون متغیری کمی و قابل اندازه‌گیری و دارای حدود و ثغور مشخص، نیست. وقتی که مصادیق یک موضوع مشخص نباشد، مفهوم آن هم از لحاظ صوری مشخص نیست. برای کمی کردن شاخص‌های سرمایه اجتماعی تلاش زیادی شده

است. مثلاً از شبکه روابط با گروه‌ها به عنوان یک شاخص اصلی یاد می‌شود. اینکه میزان عضویت افراد در نهادهای مدنی چقدر است؟ چقدر در احزاب عضو هستند؟ «میزان اعتماد به نهادها، گروه‌ها و مسئولان» شاخص دیگری برای شناخت میزان سرمایه اجتماعی است. «پیوندها و اعتماد بین فردی»، احساس دوستی و تعلق و اینکه انسان با دیگران یکی است؛ شاخص دیگری است که در اسلام شبیه به همین عنوان را تحت عنوان مواسات داریم. احساس همدردی و شریک دانستن دیگران در مال و ثروت خود. یکی از کارهای جالبی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه انجام دادند، این بود که پیوند برادری بین انصار و مهاجرین برقرار کردند و آنها در مال یکدیگر هم شریک شدند و سرمایه اقتصادی قابل توجهی فراهم آمد که تأثیر مالی بسیار خوبی طی سال‌های بعد در برداشت که به دلیل تقویت سرمایه اجتماعی بوده است. البته جداگانه می‌توان به این بحث پرداخت که در حوزه اقتصاد اجتماعی، احکام فقهی اسلام چه کمکی به سرمایه اجتماعی می‌نماید.

«همکاری و مشارکت دوطلبانه در فعالیت‌های جمعی»، «همبستگی و انسجام اجتماعی»، «میزان پذیرش اجتماعی» و «میزان مدارای قومی» از دیگر شاخص‌های سنجش میزان سرمایه اجتماعی هستند.

اما مورد آخر یعنی «حمایت اجتماعی» و «احساس برخورداری از حمایت اجتماعی»، در گذشته مخصوصاً از نوع درون‌گروهی آن بسیار بیشتر بوده است.

راهبردی **نهادهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی، هم بحث دیگری است که باید بدان**

پرداخت.

دکتر خوش‌چهره: یکی از عوامل تأمین‌کننده سرمایه اجتماعی، نهادهای اجتماعی است که بدان اشاره شد.

مهندس نبوی: در همین رابطه می‌توان به برخی ساختارهای غلط اشاره داشت که موجب تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود. به عنوان مثال بعد از انقلاب تغییراتی در قوانین بانکی ایجاد شد و دولت، مسئولیت‌هایی را نسبت به بانک‌ها پذیرفت. یعنی چک را از جنبه حقوقی خارج کرده و جنبه کیفی و جزائی به آن داد. در گذشته بانک‌ها براساس اعتماد و با توجه به اعتبار مشتری، چک و تسهیلات می‌دادند، به علاوه سقف چک کشیدن هم معلوم بود. ولی با یک

قانون اشتباه، چک تبدیل به ابزاری در کلاهبرداری‌های اجتماعی شد. اکنون به همین چک هم نمی‌توان اعتماد کرد و چند نوع ضمانت دیگر هم لازم است.

دکتر خوش‌چهره: ما بایستی اصول اساسی مربوط به سرمایه اجتماعی را استخراج کنیم. مثلاً صدا و سیما با توجیه کردن و گفتن یک قطبی و عدم شفافیت مطالب به شدت به سرمایه اجتماعی ضربه زده و اعتماد را پایین می‌آورد، در حالی که صدا و سیما باید قابل اعتماد مردم باشد تا در مواقع ضروری و استراتژیک بتوان از این اعتماد استفاده کرد.

آقای خاندوزی: متأسفانه در عین حال که همگان به سازوکارهای اسلامی بهبود سرمایه اجتماعی و برخی تجربه‌های درخشان انقلاب اسلامی اذعان دارند، اما سالهاست که در عمل این بعد جدی مدیریت جامعه مورد غفلت قرار گرفته است. یکی از نکات مطرح در ادبیات سرمایه اجتماعی نیز آن است که مانند دیگر انواع سرمایه، سرمایه اجتماعی در معرض استهلاک است و اگر در تدبیر امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به ترمیم و بازسازی آن توجه نشود، فرسایش می‌پذیرد و زمانی به خود می‌آیم که شکاف‌های عمیقی در جامعه اسلامی و انقلابی پدید آمده و با یک زلزله عادی سیاسی یا اقتصادی، تاروپود آن از هم می‌پاشد. این موربانه خوردگی داخلی از هر تهدید نظامی و بیرونی خطرناک‌تر است.

دکتر ناظمی: در فرهنگ ما، نهادهایی تعبیه شده است که این نهادها، کانون تولید سرمایه اجتماعی و اعتماد و ارتباط هستند. یکی از مصادیق عینی این کانون‌ها، مساجد هستند. خداوند مقدر کرده است که در مساجد، اعتماد رشد و زمینه اعتلاء پیدا کند. البته ارتباط از تشکیل کانونی بنام خانواده شروع شده و مسجد در سطح محل و حج در سطح بین‌الملل از نهادهای تولید اعتماد و ارتباط هستند. اگر سرمایه اجتماعی را به عنوان هدف در نظر بگیریم، هر هدفی در جایی قرار گرفته است. جامعه‌ای که می‌خواهد سرمایه اجتماعی بالایی داشته باشد، بایستی افراد آن اعتماد و ارتباط بالایی با یکدیگر داشته باشند، یعنی امت شکل بگیرد.

اسلام و انقلاب اسلامی به دنبال شکل دادن یک امت واحد جهانی است. شکل دادن یک امت واحد جهانی، به معنای تولید یک سرمایه اجتماعی به صورت وسیع و گسترده است. لذا به نظر من، در سلسله اهداف، سرمایه اجتماعی در یکی از بالاترین سطوح قرار می‌گیرد چون اگر سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی وجود نداشته باشد، سرمایه اجتماعی هم شکل نمی‌گیرد و وجود سرمایه اجتماعی به معنای وجود همه اینها است. زمانی ظهور امام زمان (عج)

انجام خواهد شد که جوامع اسلامی از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشند و به نظر می‌رسد که غرب هم به سمتی می‌رود که یکی از شاخص‌های کاملاً مؤثر در سنجش ثروت کشورها را سرمایه اجتماعی قرار دهد.

راهبردی

جناب آقای دکتر ناظمی! برای سنجش سرمایه اجتماعی از چه شاخص‌هایی معمولاً استفاده می‌شود؟

دکتر ناظمی: برای سنجش میزان اعتماد، نظرسنجی می‌کنند. یعنی جامعه نمونه‌ای را در نظر گرفته و اقشار جامعه را به سه قسمت تقسیم می‌کنند. کسانی که بالاترین اعتماد به آنها وجود دارد، قشر زنده و پویای جامعه هستند. جوامعی که نرخ اعتماد در آنها بالای ۱۰ باشد، جامعه‌ای کاملاً پویا و زنده است. کسانی که اعتماد بالایی نسبت به آنها وجود دارد، امکان ارتباط بیشتری دارند. پویاترین فرد عصر حاضر، حضرت امام(ره) بود که قوی‌ترین ارتباط فکری و ارادی را با دیگران داشت. حضرت امام(ره) وقتی که دستور می‌دادند، انسان‌های زیادی آن را پیروی می‌کردند. یعنی سرمایه اجتماعی وسیع و گسترده‌ای داشتند. این سرمایه اجتماعی را که در مورد حضرت امام(ره) در یک فرد بود، بایستی برای یک گروه و یک سازمان پیاده کرد. امروزه ماهیت بحث‌هایی مانند مشتری‌مداری را نیز از سرمایه اجتماعی می‌گیرند.

راهبردی

بررسی دیدگاه‌های دینی در مورد عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، بحث مهمی است که علی‌رغم وجود منابع غنی و اصیل اسلامی، کمتر مورد توجه و نظریه‌پردازی قرار گرفته است. جناب آقای دکتر علی‌اکبری! با توجه به صبغه دینی مورد نیاز در این مفهوم، منتظر شنیدن نظرات حضرت‌عالی هستیم. چه مؤلفه‌هایی در اسلام وجود دارد که به تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌گردد.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی‌اکبری: چند نکته لازم به ذکر است:

در باب مسائل نظری مربوط به سرمایه اجتماعی، ما بایستی رویکرد مذهبی و ملی خودمان را با توجه به شرایط ایران داشته باشیم، چون مفهوم «سرمایه» برگرفته از نوعی مبانی فکری ویژه و ذهنیت خاص و نگاه سودمحورانه و کاسبکارانه و مادی دیدن همه عرصه‌های حیات است. برای

انجام چنین کاری کافی است که به فهرست آموزه‌های دینی خودمان نظری داشته باشیم. مثلاً در قرآن می‌فرماید: المؤمنون الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون؛ در این آیه عناصر اصلی تعریفی که می‌خواهیم از سرمایه اجتماعی داشته باشیم را رعایت امانت و وفای به عهد می‌داند. در سوره حجرات می‌فرماید: انما المؤمنون اخوه؛ برادری، اساس همان چیزی است که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد. یعنی اسلام، به آنچه که سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند، امر کرده و از آنچه که سرمایه اجتماعی را کم می‌کند، نهی کرده است؛ مثلاً از سوء ظن، مسخره کردن، اختلاف، توهین کردن و سبک صدا زدن نام دیگران نهی کرده است از طرف دیگر تألیف قلوب را مهم دانسته و می‌فرماید: ولكن الله الف بین قلوبکم؛ اگر تمام دنیا را هم هزینه می‌کردید تا تألیف قلوب ایجاد کنید، نمی‌شد ولی خدا این کار را کرده است. عالی‌ترین حرف اسلام در مورد عنصر اصلی سرمایه اجتماعی این است که فرمود کفار رعایت عهد و پیمان نمی‌کنند. در سوره توبه آیه ۹ می‌فرماید: «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»، آنها به هیچ عهدی پایبند نیستند. کفار به پیمان‌های اجتماعی بخصوص در مورد شما اهتمام ننموده و به قسم‌های خود نیز پایبند نیستند و عامل اصلی عدم امکان هم‌زیستی با آنها را این خصلت آنها می‌داند. یا در مورد غیبت فرموده‌اند از زنا بدتر است؛ چون غیبت، اعتماد را از بین می‌برد، یا از نمایی و سخن چینی نهی شده است. به طور کلی هر چیزی که روابط مستحکم اجتماعی را سست کند، اسلام به شدت و غلیظ با آن برخورد کرده است.

از طرف دیگر «حقوق معاشرت و مجالست» دارای عناوین اخلاقی و توصیه‌های دینی فراوانی است و همه مسائل سرمایه اجتماعی را در آنها ملاحظه می‌کنیم. «روابط» هم مورد توصیه بوده است: یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا، دعوت به الفت، رعایت حقوق (حق پدر و مادر، حق همسایه، حق ارحام، حق مالک و مملوک) آداب معاشرت و ... از موارد قابل ذکر در این زمینه هستند. در اسلام «سلام» به این معناست که از ناحیه من آسیبی به تو نخواهد رسید و با صدای بلند هم باید آن را اعلام کرد. همه این موارد اعتماد را بالا می‌برد. پیامبر اکرم (ص) جامعه را کالجسد الواحد می‌دانستند که عمق نگاه اسلام را به موضوع مورد بحث نشان می‌دهد.

این موارد اگرچه بسیار زیاد است ولی اشتباهی که صورت گرفته اینکه با این تلقی که اینها «اخلاق» است، چنین مواردی را از متن برنامه‌ها کنار گذاشته‌ایم، در حالی که اسلام به بهترین

وجه این موارد را وارد زندگی کرده است.

راهبردی

فصلی را تحت عنوان آسیب‌شناسی سرمایه اجتماعی در آیات و روایات می‌توان سراغ گرفت؛ مواردی مانند تهمت، غیبت، بی‌احترامی و ... شاید بتوان گفت اسلام به داشتن سرمایه اجتماعی بالا تأکید دارد تا هر زمان که نیاز شد به اقتصاد، سیاست و ... ترجمه شود.

حجت‌الاسلام دکتر علی اکبری: البته مفهومی که مدنظر اسلام است، شکل‌گیری جامعه و اجتماع در حالت مطلوب است که جامعه حیات واقعی پیدا می‌کند؛ یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم. در مورد مبنی و تئوری مباحث سرمایه اجتماعی، بزرگان ما حق آن را اداء کرده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیات ۱ تا ۱۶ سوره توبه بحثی با عنوان «کلام فی معنی العهد و اقسامه و احکامه» دارد که معنای عهد را از نظر تئوری و فلسفی بیان کرده و اساس دیدگاه اسلام را در این مورد ذکر می‌کند. فکر می‌کنم اگر بخواهیم بنیان تئوریک سرمایه اجتماعی را مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی و جامعه‌شناسانه خودمان بیان کنیم، این بحث علامه (ره) کفایت کند.

دکتر موسایی: این مسائل که فرمودید، شاید در مذاهب و ادیان دیگر هم باشد که اسلام، کامل‌ترین آن را بیان کرده، ولی اشکالی ممکن است وارد شود که این موارد، توصیه به تعاملات بین‌گروهی است؛ یعنی اشاره‌ها به جماعت مؤمنین است. ما با مؤمنین برادریم ولی با یهودی و مسیحی برادر نیستیم. مثلاً بیان شده که حرمت مال مؤمن مانند حرمت خون او است ولی از نظر فقهی در مورد کفار حربی چنین چیزی نداریم. اسلام سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را بسیار تقویت می‌کرد.

راهبردی

همین که اسلام برای یک جامعه دینی در درون خودش سرمایه اجتماعی بالایی را خواسته است، نکته مهمی است ولی در مورد «دیگران» و سرمایه اجتماعی با «دیگران» باید بررسی و بحث کرد.

حجت‌الاسلام دکتر علی اکبری: مرحوم علامه طباطبایی بحث خود را نه تنها بین مسلمانان،

بلکه بین الجوامع هم توسعه می دهند.

دکتر موسایی: این بحث بیشتر در حوزه تعهدات حقوقی است. اصلاً چنین توصیه‌ای نشده است که با غیر مؤمنین هم روابط دوستی و صمیمانه داشته باشید.

دکتر عیوضی: سرمایه اجتماعی با ملاحظات بومی ریشه در آموزه‌های دینی دارد. مثلاً قرآن خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: و ما ارسلناک الاً رحمةً للعالمین؛ پیامبر رحمت برای همه مردم عالم است. در این خصوص ذکر چند مسأله مهم است که برخی نظری و برخی کاربردی است. در مورد اعتماد به عنوان یک ارزش، سؤال این است که چه کار باید کرد که این ظرفیت را نهادینه و سازمان‌دهی کرد. چون اعداد و ارقام مربوط به میزان اعتماد در جامعه ما، با توصیه‌هایی که در این مورد وجود دارد، تطبیق ندارد.

نکته دیگر اینکه مباحث خود را در چارچوب نگرش‌های غربی مطرح نکنیم که جمع‌بندی آن به راحتی انجام نگیرد. مثلاً سرمایه اجتماعی، با توجه به مطالعه‌ای که بنده داشته‌ام، دارای ابعاد مهم و کلیدی از جمله آگاهی، اعتماد و ارتباط متقابل و مشارکت است. باید بررسی کرد که تا چه اندازه ظرفیت‌های مشارکت را در کشور داریم و آن را آسیب‌شناسی کنیم. در حالی که به محض صحبت از مشارکت، «حزب» تداعی می‌گردد. تعریف شبکه‌های مشارکتی، بحث بسیار مهم و مورد نیازی است. مسأله دیگر در مورد عوامل ساخت سرمایه اجتماعی است. ما یکسری از عوامل نهادی را در این مورد داریم که مشخص‌اند ولی عوامل غیر دولتی دیگری هم مانند عوامل خودجوش وجود دارند که سرمایه اجتماعی، بیشتر روی آن‌ها متمرکز است. در جاهایی که از عوامل خودجوش استفاده شده، اقبال عمومی به آن بالاتر بوده است. مثلاً نیمه شعبان یا عاشورا دارای عواملی خودجوش هستند. زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در تفکر دینی ما، بحث مناسب دیگری است که می‌توان بدان پرداخت. امروزه دین به عنوان یک سرمایه اجتماعی در تمام قسمت‌های زندگی انسان‌ها سیطره دارد اما در نسل حاضر دین یک نقش فرعی و عرفی پیدا کرده است. در واقع دین منبع سرمایه اجتماعی و جمع منابعی است که برای کمک و پشتیبانی جامعه مؤثر است و دین که مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارها است، محرک بسیاری از سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد. منبع و منشأ سرمایه اجتماعی نیز مهم و قابل اعتنا است که هر یک از این مسائل در عرصه مطالعات سرمایه اجتماعی قرار دارد.

مهندس نبوی: در بحث‌های انجام شده، عوامل را تحت عناوین عوامل نظری، نهادی-

ساختاری و رفتاری - ارتباطی می‌توانیم تقسیم کنیم. معجزه اسلام در ساختارها و نهادها است و پیامبر اکرم(ص) این موارد را نهادینه کردند. بحث‌های نظری مربوطه هم دارای زمینه‌های بسیار قوی و مناسبی است. راههای استفاده از این منابع و کارکردی کردن آنها، مسأله‌ای است که باید بدان توجه داشت. افرادی که می‌خواهند از منبع سرمایه اجتماعی استفاده کنند، باید خودشان مانند حضرت امام(ره) از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشند. شیوه به کارگیری این سرمایه هم بسیار مهم است. ارزیابی وضعیت ایران با توجه به پیمایش‌های انجام شده، قابل تکذیب نیست و باید آن را با توجه به شاخص‌های خوب شناخت. بایستی ناسازگاری‌های آن را تحلیل کنیم. این نظرسنجی نشان می‌دهد افراد در داخل خانواده کاملاً به هم اعتماد دارند. مسلمانانی که در دیگر کشورها هستند هم با توجه به تعلیمات اسلام در مسائلی مانند نماز جمعه، دعای کمیل و ... به خوبی دور هم جمع شده و از سرمایه اجتماعی قابل توجهی برخوردارند.

راهبردی

خلاصه مباحث مطرح شده از سوی اساتید محترم را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد: آقای دکتر ناظمی سرمایه‌ها را به طبیعی، فیزیکی، انسانی و اجتماعی تقسیم کرده و معتقد بودند سرمایه‌های طبیعی و فیزیکی، ابزاری هستند. چون سرمایه اجتماعی مربوط به ارتباط میان انسان‌ها است، متکفل آن، دین است و چنین نگرشی، ریشه در فرهنگ ما داشته و با فرهنگ فردگرایی مخالف است. در غرب، سرمایه اجتماعی در حال افول است و ما می‌توانیم هویت انقلاب اسلامی را با سرمایه اجتماعی مطرح کنیم. ایشان در ادامه پایه‌های نظری و پایه‌های ساختاری را مطرح کردند. در اسلام نهادهای زیادی وجود دارد که پایه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد و مروج و مؤید آن است. از خانواده تا مسجد و حج همگی دارای تأثیرات قابل توجهی بر سرمایه اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی می‌تواند پایه شکل‌گیری امت اسلامی باشد. آقای دکتر عیوضی مروری بر ادبیات موضوع داشتند و نظریه‌هایی از فوکویاما، مارکس، پانام، بوردیو، کلمن و پارسونز و وبر را ذکر کردند. آقای مهندس ملایری از جنبه فلسفی به این بحث نگرسته و سیری از تطور و تحول این بحث از جنبه فلسفه اجتماعی داشتند. آقای دکتر موسایی نیز عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی را در سطوح کلان، میانی و خرد مطرح کردند.

با توجه به مطالب مطرح شده، سرمایه اجتماعی دارای مبانی نظری عمیقی در اسلام است. از بعد ساختاری نیز نهادهایی وجود دارند که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. مسایل رفتاری، ارتباطی و شبکه‌های ارتباطی پیش‌بینی شده در اسلام و جامعه اسلامی

سبب افزایش سرمایه اجتماعی است.

جناب آقای دکتر علی اکبری هم برخی مسائل نظری و اعتقادی را مطرح کردند؛ مسائلی مانند رعایت عهد، اخوت، و ... و آفاتی مانند غیبت و نمیمه را به عنوان آسیب‌های سرمایه اجتماعی مطرح کردند. بومی شدن مفهوم سرمایه اجتماعی با رویکرد دینی و تأثیر نخبگان بر این مسأله از دیگر مسایل مدنظر دوستان بود.

پرداختن به مسایل مربوط به ایران و وضعیت فعلی سرمایه اجتماعی در کشور، سؤال کنونی میزگرد را شکل می‌دهد. این بحث هم مهم است که چگونه می‌توان از سرمایه اجتماعی در ابعاد نظری، ساختاری، رفتاری و ارتباطی برای توسعه استفاده کرد. جناب آقای مهندس ملایری حضرتعالی چه نظری در این مورد دارید؟

مهندس ملایری: پاتنام در بحث سرمایه اجتماعی به دو مؤلفه اشاره می‌کند:

انباشتگی ارتباطات شبکه جمعیتی یا اجتماعی که می‌توان آن را به مشارکت ترجمه کرد و درجه حاکمیت فضای اعتماد برای ایجاد شبکه. یعنی جامعه چقدر اعتماد می‌کند که شبکه‌ای را بوجود آورده و رشد بدهد.

البته دیدگاه پاتنام دارای چند استلزام است که جامعه‌شناسان سراغ کمی کردن آنها هم رفته‌اند. از مباحثی که در اینجا مطرح است، معنای این مشارکت و تقدم مسائل اجتماع بر سیاست است. از سوی دیگر انباشتگی در حوزه‌ای اجتماع و سیاست، قابل ترجمه و مبادله به یکدیگر هستند. مثلاً انقلاب اسلامی ترجمه این سرمایه اجتماعی به یک سرمایه حرکت سیاسی بود.

متخصصین سرمایه اجتماعی نوعاً معتقدند که دولت به جای اینکه سرمایه اجتماعی را اعطاء کند باید کسب آن را به جامعه بیاموزد. بنابراین دو عنصر مهم را در سرمایه اجتماعی می‌توان جستجو کرد: یکی شبکه‌ها؛ اینکه چنین شبکه‌هایی چقدر در جامعه وجود دارند؟ و دیگری اعتماد. الان مردم به یکدیگر و به دولت چقدر اعتماد دارند؟ مثلاً ما شاهدیم افراد داخل یک هیئت مذهبی به یکدیگر اعتماد بسیار بالایی دارند. حالا همین را در نسبت دولت و مردم باید دید. در این راستا در دنیا به دو مسأله مهم توجه شده است: NGOها و IGOها. ما به NGOها توجه کرده‌ایم ولی IGOها هم مهم است. در مورد اخیر، تیم‌هایی تشکیل می‌شوند و بین دولت‌ها کار می‌کنند. ولی ما اینها را هم در قالب دولت‌ها جستجو می‌کنیم که منسوخ است.

نکته دیگر که مطالعات غربی‌ها در موضوع سرمایه اجتماعی هم آن را نشان می‌دهد، اینکه گریز

از اجتماع در غرب زیاد شده است، یعنی به دلیل تحولاتی که در مدرنیته اتفاق افتاده - مانند تخصص‌گرایی - آدم‌ها از یکدیگر فاصله گرفته و کمتر حاضرند در اجتماع وقت بگذارند. در حالی که مطالعات نشان می‌دهد صد سال قبل این قابلیت بیشتر بوده است. من فکر می‌کنم در مورد ایران وضعیت خوبی داریم. یعنی اگرچه این قابلیت بیشتر در ساختارهای دینی دیده می‌شود ولی با این وجود، خیلی زیاد است. با این حال باید قبول کرد که خارج از ساختارهای دینی، اعتماد بالایی وجود ندارد؛ خصوصاً در زمینه‌های سیاسی که اعتماد خیلی کم است و بایستی برای آن فکری کرد. به نظر من در ایران پرداختن به سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظری، جای کار بیشتری دارد. در واقع چون نظام سیاسی و فلسفی سیاسی ما، آمیخته‌ای هم‌افزایانه از مردم‌سالاری دینی است، لاجرم نگاهمان به سرمایه اجتماعی بایستی از بنیان‌های فلسفی تأثیر بگیرد. چون سرمایه اجتماعی‌ای که در حال مطرح شدن است، واجد ابعاد لیبرالی است؛ خصوصاً که رابرت پاتنام هم از لیبرال‌های تند و از فیلسوفان تحلیلی - جزیره‌ای است. به نظر من انجام این کار نظری لازم است ضمن اینکه به نظر من برخی از این مفاهیم در نگرش ما نیز قابل بسط هستند؛ مثل اینکه برای شهروند مناسب‌تر است که مشکلات خودش را به صورت عمودی پیگیری کند یا به صورت افقی و با کمک و معاضدت دیگران؟

تعبیر مرحوم شهید صدر از این مسأله، «تکافل اجتماعی» است.

مهندس ملایری: البته از منظر رهیافت‌های سیاسی در مورد علت اینکه در ایران تشکل‌های سیاسی موفق نیستند و مشارکت سیاسی نیست، یا اگر هست، ناپایدار و زودگذر و عجولانه است؛ می‌توان اشاره داشت که «مهارت» راه انداختن تشکل و ایجاد اعتماد در آدم‌ها وجود ندارد. در کار امروزه به این توجه شده است که یک تشکل به علت فقدان اعتماد، شکل نمی‌گیرد. باید شبکه‌ای از مهارت در جامعه ایجاد کرد و باید آموزش داده شوند که یک تشکل چگونه می‌تواند تأسیس و اداره شود.

من فکر می‌کنم مخصوصاً با توجه به مدل حکومت ما، ابتدا لازم باشد اجتماعات غیر سیاسی را ایجاد کرده و مهارت‌های لازم را به نخبگان مشارکت‌جو منتقل کنیم. اگر یکی دو دهه به خوبی در موضوعات غیر سیاسی کار کنیم، آنها می‌توانند به تشکل‌های سیاسی بدون ضایعات، منتقل شوند که یک شبه نباشد. الان وزارت کشور با این مشکل مواجه است و بیشتر به صورت هیئت

امنایی مجوز تشکیل NGOها را می‌دهد. بنابراین مجوزهایی که برای فعالیت NGOها صادر شده است، همگی طبق مدل هیئت امنایی است؛ در حالی که اگر به مبانی نظری این مباحث توجه شود، در آنجا هم می‌توانیم رهیافت‌های خاصی داشته باشیم که بتواند با جلب علاقه مشارکت‌جویان، سرمایه اجتماعی را در حوزه‌های دیگر هم افزایش دهد.

مهندس نبوی: با توجه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، حدود ۳۷٪ مردم با هیأت‌های مذهبی مشارکت می‌کنند، رتبه بعدی مشارکت را با انجمن‌های خانه و مدرسه دارند که حدود ۱۲ درصد و همکاری با احزاب حدود ۲ درصد است. نکته بعدی اینکه اعتماد متقابل خیلی ضعیف است. در گروه‌های مرجعی که قابل اعتماد هستند، بالاترین اعتماد را به طیف دانشگاهیان دارند، روحانیون هم زیر ۵۰٪ درصد مورد اعتماد هستند. کمترین اعتماد را هم مردم به رسانه‌ها دارند. نکته دیگر اینکه اگر چه مشخص نیست که سرمایه اجتماعی در ایران بالا است یا پایین، ولی مهم این است که این سرمایه اجتماعی بتواند به موقع به فعلیت تبدیل شود. با کاری که حضرت امام(ره) کردند، گویی بیشترین سرمایه اجتماعی در ایران بوده است.

راه‌ها

جناب آقای دکتر موسایی! با توجه به اینکه حضرت‌تعالی مدیریت پیمایش‌هایی را در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران بر عهده داشته‌اید، چه تحلیلی در این مورد دارید؟ اگر چه پرداختن به شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند مقدمه‌ای برای شناخت وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران باشد.

دکتر موسایی: در ابتدا مقدمه‌ای لازم به ذکر است. به طور کلی امروزه دو نوع سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد که بایستی آنها را از هم تفکیک کرد:

۱. سرمایه اجتماعی قدیم؛

۲. سرمایه اجتماعی جدید.

سرمایه اجتماعی قدیم، عمدتاً درون‌گروهی است ولی سرمایه اجتماعی جدید، تعمیم‌یافته و برون‌گروهی است. در جامعه سنتی ما نیز سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی است. که نمونه آن را در اقوام و عشایر و قبائل می‌توان دید ولی این اقوام و گروه‌ها، ارتباط و انسجام لازم را با دیگر گروه‌ها ندارند و یا این ارتباطات کمتر بوده و تعمیم‌نیافته است، در حالی که در دنیای امروز سرمایه اجتماعی برون‌گروهی رواج و اهمیت بیشتری پیدا کرده است. آنچه در علوم

اجتماعی از اواخر قرن بیستم، بیشتر مورد نظر و توجه بوده است، سرمایه اجتماعی برون‌گروھی می‌باشد.

نکته دیگر اینکه مفهوم سرمایه اجتماعی، بیش از حد بزرگ شده و این تلقی ایجاد شده که خیلی از مسائل را می‌تواند حل کند، در حالی که اصلاً اینطور نیست و چنین اهمیتی ندارد. علی‌رغم آنچه که گاهی بیان می‌گردد، نقشی که سرمایه اجتماعی در توسعه می‌تواند داشته باشد، نقشی قطعی و حتمی نیست. این تجربه از لحاظ اجتماعی - تاریخی هم قابل تأیید است. در جوامعی که سیر تکاملی از سنت به مدرنیته داشته‌اند، سرمایه اجتماعی به معنای قدیمش از بین رفته و سرمایه‌ای که در مدتی طولانی ایجاد گردیده، به سرعت از دست رفته است. در ایران هم این اتفاق افتاده، اما چیز جدیدی به نام سرمایه مدرن جایگزین آن نشده است.

یعنی در فضای سنتی جامعه، سرمایه اجتماعی از بین رفته است؟

دکتر موسایی: مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در فضای سنتی ایران سر جای خودش باقی است ولی در فضای شهری، خصوصاً شهرهایی مانند تهران، سرمایه اجتماعی که در میان اعضای یک محل وجود داشته، دیگر نیست. در قدیم، افراد یک محله ارتباط بهتری داشته و تعلق خاطر خاصی برای حل مشکلات یکدیگر داشته‌اند ولی الان آن ارتباطات از بین رفته و اصلاً محله‌ها در تهران خصوصاً در بالای شهر مفهوم سابق را ندارد و بسیاری از همسایه‌ها اصلاً یکدیگر را نمی‌شناسند. این سرمایه اجتماعی قدیم در دنیای صنعتی با شبکه‌های بزرگتر، NGO ها، تعاملات اجتماعی، شورای شهر و محله و ... جانشین شده است. ما تعاملات گذشته را که می‌توانست خمیرمایه مشارکت برای حل مشکلات مردم باشد، رها کرده‌ایم و موضوعات آن هم به دلیل تعاملات جدید، تحولات شهری، مهاجرت‌ها و تفاوت فرهنگ‌ها از بین رفته است. این تغییر در مورد سرمایه اجتماعی قدیم در ایران انجام شده ولی چیز جدیدی جایگزین آن نشده است.

با طرح مطالب مربوط به چارچوب نظری، کلیات، عوامل تعیین‌کننده، دیدگاه‌ها، تاریخچه و عمده‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، اعتماد، انسجام و مشارکت)، شاخص‌ها را هم می‌توان تعریف کرد. مثلاً وقتی صحبت از شبکه روابط است، می‌توان میزان عضویت یا وقتی را که افراد در سازمان‌های رسمی و غیر رسمی می‌گذارند، یا میزان اعتمادی که افراد به یکدیگر یا

به دولت دارند، یا اعتمادی که دولت به ملت دارد، یا گروه‌ها نسبت به هم دارند، با چنین گویه‌های، شاخص اعتماد هم سنجیده می‌شود. میزان انسجام اجتماعی هم معمولاً هنگام بحران بهتر معلوم می‌گردد. اگر جامعه‌ای توانست مشکل و بحران مربوطه را حل کند، معلوم می‌شود که دارای انسجام اجتماعی بالایی است.

امروزه این ۴ مؤلفه را جزء مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در نظر می‌گیرند. ما برای توسعه اجتماعی دو معنی در نظر داریم: ۱- معنای خاص ۲- معنای عام. معنای خاص توسعه اجتماعی عبارتست از اعتماد، انسجام و مشارکت که به معنای تکامل جامعه است. مفهوم عام توسعه اجتماعی شاخص‌هایی مثل بهداشت، سواد، مسکن و سلامت اجتماعی دارد که با بحث ما مرتبط نیست. در مورد کارکردهای سرمایه اجتماعی هم صحبت شد که تسهیل‌کننده کنش است و هزینه مبادلات را پایین می‌آورد، عملکرد دستگاه‌ها را افزایش و ناهنجاری‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. مواردی مانند فساد، فحشاء و رشوه از نتایج نبودن سرمایه اجتماعی است.

در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، کارهای زیادی صورت گرفته است. در پژوهشی که در دانشگاه تهران در حال انجام آن هستیم، سرمایه اجتماعی در مناطق و ارتباط آن با توسعه مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا روایی یکسری گویه‌ها سنجیده شده و براساس آنها، این پیمایش صورت گرفته است.

در این پیمایش به مواردی مانند روابط انجمنی و شبکه روابط، عضویت در نهادهای مدنی، فعالیت در نهادهای رسمی و غیر رسمی، مساجد، انجمن و بسیج و ... اشاره شده است و یا بررسی شده که چقدر اعتماد به نهادهای رسمی و غیر رسمی وجود دارد.

دکتر خوش‌چهره: البته در مقام تحلیل پیمایش و نظرسنجی‌ها دقت داشته باشیم که گاهی به شکل توجه می‌شود ولی محتوی تحلیل نمی‌شود. مثلاً به تعداد سفرهای مذهبی توجه می‌شود و آمار بالایی بدست می‌آید ولی اینکه این سفرهای مذهبی و زیارتی چقدر محتوی داشته‌اند، مورد توجه پیمایش‌ها نیست. یا در مورد نظم و انضباط دیکتاتوری و آهنی باید گفت که اصلاً انضباط نبوده است، چون با برداشتن دیکتاتور، معلوم می‌شود که اصلاً نظمی نهادینه نشده است.

دکتر موسایی: در تحقیق مورد نظر، هم به شعاع اعتماد پرداخته شده و هم به عمق اعتماد. البته در حوزه تحقیقاتی که پیمایشی هستند و مؤلفه‌های نرم را اندازه‌گیری می‌کنند، با چنین مشکلی مواجه هستیم ولی یک راه این است که اگر در مقام بررسی میزان اعتماد مردم به رعایت موازین اسلامی در حوزه اقتصاد هستیم، باید آن را کمی کرده و شاخص‌هایی را در میان سؤالات مطرح

کنیم ولی گاهی محتوی را به صورت دقیق نمی توان نشان داد.

برخی از شاخص‌هایی که در پیمایش مذکور، مدنظر بوده است عبارتند از احساس دوستی و تعلق، یکی بودن با دیگران، اعتماد به دیگران، همکاری و مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌ها، همبستگی اجتماعی، میزان پذیرش اجتماعی، میزان مدارا و تحمل، نظم و ... این موارد را می توان اندازه گیری کرد و در دنیا هم شاخص‌هایی را برای آن تعریف کرده‌اند. این موارد تا اندازه‌ای مورد پرسش بوده است.

در مورد پیمایش حاضر که مربوط به سی استان است، نتایج جالبی به دست آمده است. بین رتبه سرمایه اجتماعی با رتبه توسعه هر استان همبستگی وجود ندارد و این برخلاف مطالبی است که غالباً عنوان می گردد که هر جایی که سرمایه اجتماعی بوده، توسعه اجتماعی - اقتصادی هم اتفاق افتاده است. در این پیمایش، استان‌ها به ۵ دسته تقسیم شده‌اند:

۱. استان‌های کاملاً توسعه یافته، شامل: تهران، خراسان، اصفهان، کرمان، یزد و فارس.
 ۲. استان‌های توسعه یافته، شامل: قم، مرکزی، آذربایجان شرقی.
 ۳. استان‌های در حال توسعه، شامل: بندرعباس، چهارمحال بختیاری، قزوین، مازندران و گیلان، آذربایجان غربی، گلستان، همدان، خوزستان و سمنان.
 ۴. استان‌های توسعه نیافته، شامل: اردبیل، لرستان، کردستان، بوشهر و سیستان و بلوچستان
 ۵. استان‌های کاملاً توسعه نیافته، شامل: کهگیلویه و بویراحمد و ایلام.
- در گروه استان‌های کاملاً توسعه یافته؛ شاخص سرمایه اجتماعی در تهران ۲۵، خراسان ۱۱، اصفهان ۲۹، کرمان ۱۹، یزد ۲۶، فارس ۱۹ است. متوسط شاخص سرمایه اجتماعی این دسته ۵/۲۱ از ۱۰۰ است.
- در گروه استان‌های توسعه یافته؛ قم ۲۱، استان مرکزی ۱۳ و آذربایجان شرقی ۲۸ است. متوسط شاخص سرمایه اجتماعی این گروه ۲۰/۷ از ۱۰۰ است که رتبه سرمایه اجتماعی در این گروه، بهتر شده است.
- در گروه استان‌های در حال توسعه؛ بندرعباس ۱۰، چهارمحال و بختیاری ۶، قزوین ۱۵، مازندران ۱۲، گیلان ۲۰، آذربایجان غربی ۹، گلستان ۱۷، همدان ۱۶، خوزستان ۲ و سمنان ۱۸ است. متوسط شاخص سرمایه اجتماعی در این گروه ۱۲/۵ از ۱۰۰ می باشد که بازهم از گروه قبل بهتر است.

شاخص سرمایه اجتماعی در گروه استان‌های توسعه‌نیافته؛ اردبیل ۳، لرستان ۲۴، کردستان ۲۳، بوشهر ۲۲ و سیستان و بلوچستان ۱ است. یعنی سیستان و بلوچستان از نظر سرمایه اجتماعی دارای رتبه ۱ است. متوسط شاخص سرمایه اجتماعی گروه ۱۴/۶ از ۱۰۰ است در استان‌های کاملاً توسعه نیافته، یاسوج ۵ و ایلام ۴ است که متوسط آن ۴/۵ می‌باشد.

اگر دو دسته آخر استان‌های توسعه نیافته و کاملاً توسعه نیافته را باهم یکی بکنیم، متوسط آن ۵/۱۱ خواهد بود. یعنی اگر دو دسته را یکی بدانیم، رابطه معکوس بین سطوح توسعه (با شاخص‌های تعریف شده) و سرمایه اجتماعی (با شاخص‌های مدنظر) در استان‌ها، کاملاً تأیید می‌گردد.

بین سرمایه اجتماعی قدیم و جدید تفاوت وجود دارد و در پژوهش چنین تفکیکی صورت نگرفته است. می‌توان تحلیل کرد که تحولات اجتماعی و اقتصادی باعث شده که انسجام اجتماعی در شهرهای ما کاملاً به هم بریزد ولی این تحول تا هنگامی که به یک تعادل جدید منتهی نشده، سرمایه اجتماعی قدیم از بین می‌رود ولی چیزی جایگزین آن نمی‌شود.

سرمایه اجتماعی علی‌رغم اینکه زود از بین می‌رود، به تدریج شکل می‌گیرد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه‌ای در ایران، به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است ولی در کشورهای توسعه‌یافته، بین توسعه و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همبستگی وجود دارد؛ یعنی در جایی که توسعه‌یافته‌تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد. رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه بایستی در زمانی طولانی مدت مورد بررسی قرار بگیرد و جامعه مراحل توسعه را طی کرده باشد. در زمانی که جامعه در حال تحول است، نمی‌توان رابطه واقعی این دو را به دست آورد و جامعه ایران، جامعه‌ای در حال تحول است.

نکته دیگر اینکه متون درسی ما سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را بیشتر تقویت می‌کند. مثلاً بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱/۱۴٪ از تعامل‌های درون‌گروهی در این متون تقویت می‌شود و فقط ۹/۵٪ از متون درسی دوران ابتدایی، تعاملات برون‌گروهی را تقویت می‌کند که این مطلب حاکی از نوعی ضعف آموزشی در کشور در مورد مسایل سرمایه اجتماعی است.

برخی معتقدند که تعاملات درون‌گروهی با توسعه سازگاری ندارد. منظور از ارتباطات درون‌گروهی، ارتباطاتی است که درون یک مذهب یا یک نژاد یا یک قوم صورت می‌پذیرد و این ارتباطات تعامل مثبتی با توسعه ندارد. هر قدر که یک قوم، فقط خودش را در نظر بگیرد و به قوم دیگر اعتماد نداشته باشد، روند توسعه اقتصادی تسریع نمی‌شود. تا وقتی که قومیت‌ها قوی

هستند، نمی‌توان از ملیت واحد سخن گفت. در مورد ادیان هم به همین ترتیب است که اگر دین‌های محلی قوی باشند، معمولاً دین‌های جهانی هم شکل نمی‌گیرد. البته در بحث‌های پیمایش چارچوب نظری و ابزارهای سنجش، در نتیجه آن تأثیرگذار هستند ولی در روایی‌سنجی پژوهش مورد بحث، دقت بسیاری مبذول شده است. با توضیح ارائه شده در مورد این پژوهش می‌توان گفت: وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در روابط سنتی هنوز بسیار قوی بوده و سرمایه اجتماعی قدیم به نسبت قابل توجهی در جامعه ما وجود دارد، یعنی نقطه قوتی است که به عنوان یک خمیرمایه برای جلب مشارکت مردم در حوزه‌هایی که این سرمایه وجود دارد، می‌توان از آن استفاده کرد.

دیگر مسأله مورد توجه این است که چه چیزی سرمایه اجتماعی را تهدید می‌کند؟ به نظر من مهمترین مسأله در این مورد، عدم تعهد به قراردادهای و قول و قرارها است که عمده آن به رابطه دولت با ملت برمی‌گردد. مردم ایران عموماً به دولت‌ها اعتماد نداشته‌اند و دولت‌ها نیز گاهی به راحتی تعهدات خود را زیر پا می‌گذاشته‌اند. تاریخ حکومت‌های مختلف در ایران - حداقل در ۵۰۰ سال اخیر که دنیا شاهد تحولات فرهنگی و علمی بوده است، همین مطلب را نشان می‌دهد که یک نفر به نام شاه، مافوق تمام طبقات بوده و هرگاه تصمیم می‌گرفته، هر گونه که می‌خواسته عمل می‌کرده است. این مسائل خصوصاً در حوزه مالکیت، نمود بیشتری داشته است. نکته دیگر اینکه چون سرمایه اجتماعی، محسوس و مادی نیست، نیاز به طراحی الگوهای داریم که بتوان از چنین سرمایه‌ای استفاده کرد. در حوزه‌های مشارکت مانند خدمات شهری، فضای سبز، محیط زیست، ایجاد مراکز فرهنگی، ترافیک، و ... ما دارای الگوهای بومی نیستیم و اگر الگوهای بومی از قبل داشته‌ایم، در حال از بین رفتن است. آقای دکتر فرهادی پژوهشی تحت عنوان «واره» انجام داده است. «واره» اصطلاحی برای مشارکت‌های مردمی بوده است. در این تحقیق نشان داده می‌شود که شبکه‌های ارتباطی وسیعی در کشور وجود داشته که مشارکت‌های سنتی را در این قالب‌ها انجام می‌داده‌اند ولی همگی در حال از بین رفتن و اضمحلال هستند. اگرچه مواردی مانند «شیرواره» در برخی از روستاها باقی مانده است که در آن شیر حیوانات به صورت مشترک دوشیده و عرضه می‌شود. چنین مواردی را بایستی دوباره احیاء کرد.

در سطح شهر تهران مشاهده شد که در فعالیت‌های مذهبی، بیشترین سرمایه اجتماعی وجود دارد اما سطح مشارکت، تمایل به مشارکت و رفتار مشارکتی در مسایل مالی در سطح شهر تهران

بسیار پایین است. در این موارد نتایج پژوهشی به قدری کم بود که نمی‌شد آنها را بیان کرد و تمایل به مشارکت در حوزه‌های مالی، زیر یک بود ولی در حوزه سنتی و خصوصاً مذهبی، نقطه قوت وجود دارد. لازمه حفظ این سرمایه اجتماعی این است که کارها به درستی تعریف و الگوهایی طراحی شود که به حفظ این سرمایه اجتماعی، کمک کند. ولی این کار به خوبی صورت نگرفته و علت آن هم این بوده که شهرداری یا دولت نیازی برای بالا بردن مشارکت مردمی و سرمایه اجتماعی احساس نکرده‌اند و این احساس به دلیل نقش برجسته نفت در اقتصاد ماست. در واقع «نفت» به عنوان یکی از عوامل تهدید و فرسایش سرمایه اجتماعی در کشور ما عمل کرده و متغیر بسیار مهمی در فرسایش سرمایه اجتماعی است. «نفت» هم دولت را از سرمایه اجتماعی تهی کرده و هم ملت را.

امروزه در برنامه‌های توسعه، به توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... توجه می‌شود ولی در مورد شاخص‌ها، کارکرد و ارزیابی‌های توسعه اجتماعی، کاری صورت نگرفته است در حالی که چنین مواردی خمیرمایه سرمایه اجتماعی هستند. در حوزه‌هایی مانند گسترش شبکه شهری و گسترش NGOها هم به همین ترتیب است. ما بایستی اجازه بدهیم که شبکه‌های غیر رسمی و NGOها فعال شوند.

در ایران NGOها نوعاً دولتی هستند و تا زمانی فعالیت می‌کنند که از جانب دولت، کمک‌هایی دریافت می‌کنند. در دانشگاه‌ها، در حوزه علوم اجتماعی، ارتباطات و حتی اقتصادی، انجمن‌های علمی زیادی تشکیل شده است ولی همگی از وزارت علوم، بودجه دریافت می‌کنند و نهادینه نشده‌اند و با قطع کمک‌های دولتی، غیر فعال می‌شوند. این مسأله هم ریشه در احساس بی‌نیازی دولت از ملت دارد.

راه‌پژوهی که ریشه اصلی این احساس بی‌نیازی هم به نفت بر می‌گردد.

دکتر موسایی: بله، همین طور است. به نظر من برای میدان دادن به سرمایه اجتماعی، باید توسعه اجتماعی و اخلاق اجتماعی را قوی‌تر کرد. اکنون چیزی با عنوان اخلاق اجتماعی در کشور ما وجود ندارد. البته منظور از اخلاق، اخلاق فردی نیست. اخلاق اجتماعی ما، اخلاقی نیست که سرمایه اجتماعی را افزایش بدهد. اخلاق اجتماعی می‌تواند موضوع گفتگویی باشد که برخی NGOها روی آن کار کنند.

نکته جالبی که مشاهده شده این است که تئوری‌های رشد و تئوری‌های توسعه، نتوانسته تفاوت کشورها در رشد را بیان کند ولی با کمک سرمایه اجتماعی این تفاوت به خوبی روشن شده است. انسجام، شبکه روابط، اعتماد و مشارکت، چارچوب‌هایی هستند که می‌توان محتوای آن را با توجه به شرایط جامعه ایران، تهیه کرد.

راهبردی

جناب آقای دکتر موسایی! بحث حضرت‌تعالی را اینطور می‌توان جمع‌بندی کرد که این بررسی نشان می‌دهد که توسعه انجام شده در ایران، در حال تخریب کردن سرمایه اجتماعی قدیم است و چیزی را هم جانشین آن نکرده است. این ارزیابی نشان می‌دهد که رابطه بین توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی هم معکوس است. در مباحث قبل به این نتیجه رسیدیم که برای اینکه سرمایه اجتماعی شکل بگیرد، به بنیان‌های نظری، ساختارهای متناسب و مهارت شکل دادن به روابط نیاز داریم. با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه فرهنگی و قدیمی و دارای فرهنگ و تمدن است، باید پرسید چگونه می‌توان این موارد را به زبان روز ترجمه کرد؟ یا الگوی توسعه را چگونه انتخاب کنیم که این موارد باهم سازگار شوند؟ ضمن اینکه سرمایه اجتماعی قدیم را باز تعریف و باز تولید و کاربری می‌کنیم تا برای امروز هم کارکرد داشته باشد، الگوی توسعه را هم باید به نوعی انتخاب کرد که مخرب این سرمایه نباشد.

دکتر موسایی: جامعه ما، جامعه‌ای خواهان تحول است. به علاوه علی‌رغم ۵۰ سال اجرای رسمی برنامه‌های توسعه در کشور و ۱۰۰ سال پیگیری برای ایجاد مدرنیته، جامعه ما، جامعه‌ای سنتی است. تفکیک دقیقی هم بین سنت و مدرنیته وجود ندارد. یک فرد در موقعیت‌های مختلف تصمیم می‌گیرد که مدرن باشد یا سنتی؟ سرعت تحولات آنقدر زیاد بوده است که اجازه نداده این تحولات بر مبنای سنت اتفاق بیفتند. توسعه ما بایستی از درون و بر مبنای سنت باشد تا سرمایه اجتماعی از بین نرود؛ صنعت بایستی بر فراز و بر پایه سنت باشد و سنت در جامعه ما بسیار قوی است.

جوامعی که به راحتی توانسته‌اند سرمایه اجتماعی جدید را بدست بیاورند، جوامع بی‌ریشه و فاقد قدمت تاریخی غنی بوده‌اند. این کشورها چون قدمت تاریخی غنی نداشته‌اند، به راحتی فرهنگ غرب را پذیرفته‌اند.

در حالی که معمولاً در دنیای اسلام چنین اتفاقی نیفتاده است.

دکتر موسایی: بله. علت آن این است که در این کشورها، سنت قوی است. قبل از انقلاب کتابی با عنوان «نظریه تمدن» به چاپ رسید که مربوط به حدود ۱۲۰ سال قبل ژاپن است. نویسنده در این کتاب به چنین مسائلی می‌پردازد که ما ژاپنی‌ها به دنبال توسعه و تحول هستیم، فاصله ما با اروپا هم بسیار زیاد است، فرهنگ توسعه چیست؟ فرهنگ ما چگونه است؟ و چه مواردی از فرهنگ باید در خدمت توسعه قرار بگیرد.

این کتاب نشان می‌دهد که در آن زمان چنین دغدغه‌ای برای ژاپن هم وجود داشته است ولی امروزه چنین مشکلی ندارند چون در قسمت‌هایی که لازم بوده، تغییر کرده‌اند و قسمت‌هایی را که نیاز بوده حفظ کنند، حفظ کرده‌اند. ولی جامعه و فرهنگ جامعه ما به این راحتی قابل تغییر نیست. یکی از چالش‌های اصلی ما در مورد سرمایه اجتماعی جدید، قوت سنت در جامعه ایران است. ما به جای تغییر این سنت، باید به این نقطه مثبت پردازیم. بین سنت و مدرن، شبه جامعه‌های خاکستری شکل گرفته و منجر به تنش اجتماعی شده که این امر، هزینه اجتماعی را برای جامعه ما بیشتر کرده و همین امر، نقطه ضعف توسعه در کشور ما است چرا که توسعه اجتماعی، شکل نگرفته است. نقطه قوت ما سنت است و نقطه قوت، بایستی نقطه شروع ما باشد.

حجت‌الاسلام دکتر علی اکبری: شاید مناسب‌تر باشد که از زاویه دیگری هم به این بحث پردازیم. نوآوری در این بحث می‌تواند بدین ترتیب باشد که به جای اعلام موضع در مورد نظر دیگران، به بنیان‌ها و مبانی و چارچوب‌های نظری خودمان در این مورد پردازیم.

وقتی به جامعه توجه می‌شود، حیات و زندگی انسان دارای دو جنبه است؛ جنبه فردی و جنبه اجتماعی. در مورد حیات اجتماعی انسان مسائلی مطرح است از جمله اینکه آیا انسان حیات اجتماعی را اختیاراً پذیرفته است یا اضطراراً و یا اجباراً؟ آیا انسان حیات جمعی را از روی اختیاری که دارد، انتخاب کرده است؟ آیا انسان مدنی بالطبع است؟ پاسخ به این سئوالات هرچه که باشد، چیزی که می‌تواند موضوع مورد بحث را به سامان برساند، حیثیت حیات جمعی انسان است. وقتی انسان از حیات فردی درآمده و در جمع قرار می‌گیرد، به تعبیر قرآن تبدیل به امت (کوچک یا بزرگ) می‌شود. این حیثیت جمعی، دارای آثاری است که به تبع این حیات جمعی، پدید می‌آید. البته می‌توان بررسی کرد که چه واژه‌ای در این مورد، گویاتر از سرمایه اجتماعی

است و همان را گزینش کرد. جنبه اجتماعی حیات، در مقابل جنبه انفرادی زندگی مطرح می‌شود، ارزش افزوده و کارکردهای جدیدی را دارد که نوعی هویت جدید را هم بوجود می‌آورد. شبکه روابط بین افراد، ماهیت جدیدی را به افراد می‌بخشد؛ برخلاف اشیاء که در جمع هم، حالت فردی خود را حفظ می‌کنند. چنانکه جمع جبری ده نفر آدم با جمع جبری ده درخت یکی نیست.

مباحث هم افزایی هم در همین جا مطرح می‌شود.

حجت‌الاسلام دکتر علی اکبری: اگر با چنین مبنایی وارد این مباحث شویم، مؤلفه‌های زیادی که سرمایه را شکل می‌دهند، حاصل می‌شود که سهم تأثیر و اولویت تأثیر هر کدام ممکن است متفاوت باشد، اما در بررسی که انجام دادم تعدادی مؤلفه اساسی وجود دارد که می‌تواند سرمایه اجتماعی موجود در ادبیات ما را پوشش دهد. از جمله:

جمعیت: هنگامی که افرادی جمع شده و جامعه و اجتماع را شکل می‌دهند، حالت جمعی ایجاد شده، یکی از مؤلفه‌ها است.

تعاون و الفت: مؤلفه‌های دیگری هستند که در اثر شکل‌گیری روابط و پیوندهای معنوی، روحی، روانی و عاطفی را ایجاد می‌نمایند.

اخوت: در دین اشاره می‌شود که انما المؤمنون اخوه؛ اخوت مؤلفه کلیدی دیگری است.

وحدت: حیثیت و ویژگی مترتب بر چنین جمعی است که در نصوص دینی هم موجود است.

معاشرت: واژه‌های مختلفی در بیان معاشرت به کار رفته‌اند از جمله مخالطه، مرابطه، مجالسه، در کافی کتابی با عنوان عشره است که به آداب معاشرت می‌پردازد. احترام به بزرگترها و ... در این حیطه هستند. همه این موارد ابعاد سرمایه اجتماعی را در بر دارد.

خدمت: در ذیل برخی از عناوین دیگر، بایی تحت عنوان خدمت کردن هم مطرح است که در مورد رفع حاجت و نیاز دیگران است. روایاتی مانند خیرالناس، انفعهم للناس اشاره به همین موضوع دارد.

نصیحت: خیرخواهی؛ با توجه به آموزه‌های دینی انسان موظف است که با تمام وجود، خیر دیگران را بخواهد.

زیارت: باب دیگری در مورد دیدار مؤمنین وجود دارد که توصیه به زیارت آنها شده است و حتی از توصیه به قبور و اموات هم دریغ نشده است.

مدارا: مدارا و تحمل بر بدی‌های دیگران صفت اخلاقی مورد توجه دیگری در این رابطه است.

تعزیت: به حضور در مصیبت‌های دیگران و تسلیت گفتن به عزادار توصیه شده، چرا که انسان‌ها را در شدائد و سختی‌ها به یکدیگر نزدیک می‌کند.

عیادت: عیادت مریض، پیوندهای اجتماعی را قوی‌تر می‌کند.

رعایت حقوق: الزام به رعایت عهدها و پیمان‌ها که بسیار مبسوط و دارای شاخص‌های روشن است.

صداقت: علاوه بر راستی و راستگویی، دوستی و یکرنگی با دیگران در این باب مورد توجه و سفارش است.

محبت: محبتی که در آیات و روایات آمده، بسیار متعدد و عمیق است.

ولایت: ولایت همان چیزی است که تمام مؤلفه‌های فوق را پوشش می‌دهد.

این مؤلفه‌ها، امهات مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد که البته موارد زیاد دیگری را هم می‌توان در نظر گرفت که زیر مجموعه این موارد قرار می‌گیرند. هنگامی که از جنبه ایجابی به این بحث پرداخته می‌شود، مؤلفه‌های فراوانی را می‌توان یافت که وقتی این موارد را در کنار هم قرار می‌دهیم، قدر مشترک آن در جامعه مطلوب و ارزشمندی که شکل می‌گیرد، همان وضعیت مطلوب در سرمایه اجتماعی است. قدر مشترک این موارد را می‌توان جامعه ولایی و حیات طیبه نامید.

در نقطه مقابل این موارد، جنبه‌های سلبی وجود دارد؛ مانند عدم تفرقه (و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا). در بررسی جنبه‌های سلبی می‌توان به حدیث جنود عقل و جهل اشاره داشت. هر چیزی که حالت جمع و اجتماع را برهم می‌زند، مذموم است و اسلام هم به شدت با آن برخورد کرده است. چرا غیبت، سخن‌چینی و تهمت گناہانی سنگین هستند؟ چون ارتباط انسان‌ها را سست می‌کنند. از قدر مشترکی که از این مؤلفه‌ها حاصل می‌شود با چه واژه‌ای می‌توان یاد کرد؟ البته شمول این مؤلفه‌ها، از سرمایه اجتماعی خیلی بیشتر است و همان چیزی است که منشأ همه تحولات در طول تاریخ شده است. جالب است که پروردگار متعال براساس آیات متعدد، سنت‌های خود در مورد تحول را براساس همین حالت قرار داده و می‌فرماید: ولو انّ

اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم برکات من السماء؛ یعنی وقتی جامعه‌ای ایمان آورد و پرهیز کار شد، برکات بر آنها نازل می‌شود. ایمان و تقوی شکل دهنده مؤلفه‌های پیش گفته و در نتیجه هم افزائی و سرمایه اجتماعی است. در آیه دیگر فرموده است: ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه فکفرت بأنعم الله. در این آیات همه برکات و نزول رحمت را مترتب بر حیات جمعی و کیفیت حیات جمعی دانسته است.

اساساً از نظر اسلام، جامعه هم مانند فرد، تولد و رشد دارد، سلامت و بیماری و حتی مرگ دارد. براساس آیات قرآن جامعه حتی نامه عمل هم دارد: «کلّ امة تدعی الی کتابها». حیثیت و هویت جمعی اجتماع، مسؤولیت و پاسخگویی دارد، محاسبه و حشر دارد؛ همانطور که فرد دارای حشر است، حشر جمعی هم داریم. وقتی به چنین زوایایی توجه می‌کنیم، در می‌یابیم که چقدر توجه اسلام به روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی، دقیق‌تر، عمیق‌تر و گسترده‌تر است.

رمز موفقیت انبیاء و خصوصاً پیامبر گرامی اسلام (ص)، این است که روابط خود را با همان معدود افرادی که حرفشان را پذیرفته بودند، به درستی تنظیم کرده و حیثیت جمعی مناسبی را شکل می‌دادند. پیامبر اسلام (ص) بلافاصله بعد از ورود به مدینه حتی با یهود هم شروع به امضاء عهدنامه کرد. امروزه هم عامل موفقیت در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... ریشه در این دارد که یک جامعه حیثیت جمعی خود را با اهداف و مصالح جامعه همراه کند، چرا که این کار آثار ویژه‌ای را در پی خواهد داشت.

به عنوان مثال در مورد علت قدرت نفوذ و برندگی لیزر گفته شده که خاصیت لیزر این است که ذرات دارای جهات مختلف را همسو و متمرکز می‌کند. اگر در جامعه، همه نیروها با هم هماهنگ شده و توان اجتماع همسو شود و هر کسی در جای خودش قرار بگیرد، قدرت عجیبی شکل خواهد گرفت. هنر حضرت امام (ره) در شکل‌دهی انقلاب این بود که سرمایه نهفته و داشته‌های موجود در حیات جمعی محیط را سامان‌دهی کرد. امروزه کسانی که در دنیا از سرمایه اجتماعی سخن می‌گویند، درک ناقص و یک بعدی و محدودی از این حقیقت دارند. اگرچه ما هم در تبیین آن ضعف داشته‌ایم ولی حیات جمعی در اسلام، یکی از اصول قطعی است. من تقریباً هیچ یک از آموزه‌های دینی را سراغ ندارم که فردی صرف باشد. انسان‌ها در خلوت‌ترین خلوت‌های خویش هم نگاه جمعی دارند. مثلاً در نماز شب گفته شده که حداقل در حق ۴۰ نفر از مؤمنین دعا شود. خاصیت اینکه انسان در مورد ۴۰ نفر از مؤمنین دعا کند این است که معمولاً

اینها کسانی‌اند که با انسان و در اطراف او زندگی می‌کنند و فرد دعاکننده نیز با آنها همراه و همدل و همسو خواهد بود و با آنها دشمنی نخواهد کرد. چیزی که بین این فرد و آن افراد شکل می‌گیرد حقیقتی است که از آن تعبیر به سرمایه اجتماعی می‌شود.

از طرف دیگر اسلام با کبر و حسد برخورد می‌کند، چون این موارد می‌تواند پایه‌های همین حقیقت را از بین ببرد. قرآن در سه مورد کسانی را که رابطه خود را با دیگران قطع می‌کنند، لعن می‌نماید. یا دستور داده شده به اینکه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، ارتباط برقرار کن (صل من قطعک) مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبان او در سلامت هستند و مؤمن کسی است که دیگران در امن و امان از او هستند. انما المؤمنون اخوة بنو أب و أم و إذا ضرب علی رجل منهم عرق سهد له الآخرون؛ مؤمنون فرزند یک پدر و مادر هستند، اگر رگ یکی را بزنی، رنگ دیگری می‌پرد. المؤمنون خدم بعضهم لبعض؛ مؤمنون همه در خدمت یکدیگرند. یا فرموده‌اند: اتقوا الله و كونوا اخوة بررة متحابین فی الله، متواصلین، متراحمین، تراوروا، تلاقوا... و تعبيرات عجيب دیگری که پیوند همگی با بحث کاملاً روشن است.

به نظر من در مورد سرمایه اجتماعی، علاوه بر ضرورت نگاه از منظر مبانی اسلام، لازم است تعریفی دقیق‌تر و جامع‌تر از «سرمایه اجتماعی» برای حیثیت اجتماعی و آثار و خواص آن تعیین گردد.

مهندس نبوی: به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی، حاصل و نتیجه آن ارتباطات مورد نظر است. شاید بتوان از تعبیر «اعتبار اجتماعی» در این موارد استفاده کرد. یعنی بررسی کنیم که اعتبار چگونه ایجاد می‌شود؟ از فرمایشات شما اینطور می‌توان نتیجه گرفت که بایستی ارتباطات هم‌افزای مورد نظر اسلام ایجاد شود تا از درون آن، مقدار زیادی اعتبار آزاد شود. این مطلب کارکرد بسیار زیادی هم دارد و به رهبری و هدایتی نیاز است که بتواند به این اعتبار، جهت بدهد و از آن استفاده کند. شاید بتوان همه این موارد را در آیه شریفه اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة جمع دانست که کل روابط طولی و عرضی را ترسیم می‌کند.

حجت‌الاسلام دکتر علی اکبری: انسان در نظام هستی دارای ۴ رابطه است. ۱- رابطه با خدا ۲- رابطه با خودش ۳- رابطه با طبیعت ۴- رابطه با هم‌نوعان؛ در رابطه انسان با دیگر انسان‌ها است که مفهوم سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. راه‌های شکل‌گیری این سرمایه در اسلام، در توجه به همان مؤلفه‌هایی است که ذکر شد. مثلاً قرآن در مورد ایجاد الفت می‌فرماید که اگر همه آنچه که در زمین است را می‌دادی، نمی‌توانستی در میان آن‌ها الفت ایجاد کنی، ولی خدا این الفت را

ایجاد کرده است. این آیه بدین معنی نیست که از طریق معجزه و راه غیرطبیعی این اتفاق افتاده، بلکه از طریق همین شیوه‌ها و از روش دین و تعالیم آن و پایه‌گذاری چنین معارفی، این الفت را ایجاد کرده و بستر آن در کشورهای اسلامی آماده است.

مهندس نبوی: ولی به نظر من این مطلب در کشورهای اسلامی نهادینه شده است. خانواده اولین نهادی است که در جامعه تشکیل می‌شود. چند تا خانواده باهم جمع می‌شوند و مسجدی را درست کرده و در مراسم و مناسبت‌ها دور هم جمع می‌شوند. این کار در میان مسلمانان نهادینه شده است.

حجت‌الاسلام دکتر علی اکبری: نمونه و مثال زنده این بحث، اتفاقاتی است که در میان کشورهای اسلامی در مورد غزه بوجود آمد. اگر برخی دولت‌های به ظاهر اسلامی، فشار خود را از ملت‌ها بردارند، این سرمایه خودش را نشان می‌دهد. اصل وضعیت «سرمایه اجتماعی» مورد توجه بسیاری از مؤلفه‌های دینی بوده است ولی تعریف مورد پذیرش در میان صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی وجود ندارد و از زوایای گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند. اما آنچه که اسلام در این مورد بیان می‌کند، مطلبی شامل‌تر، جامع‌تر و گویاتر است.

دکتر خوش‌چهره: دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز از توسعه بیست ساله دارای الزامات و پیش شرط‌هایی است که در میزگردهای گوناگون فصلنامه به برخی از آنها پرداخته‌ایم. امروزه بحث جدی‌ای در مورد موتور محرکه رشد وجود دارد که اولویت سرمایه‌ای که می‌تواند باعث تحول و پیشرفت و توسعه باشد، چیست؟ گروه سنتی، محوریت و اولویت را به سرمایه‌های مادی داده‌اند و بر انباشت سرمایه و تمرکز سرمایه تأکید دارند که اگر پول و ثروت باشد، منشأ پیشرفت و تحول و مدرنیسم خواهد بود. این موضوع بعدها، خصوصاً در نیم قرن گذشته - تحت عنوان سرمایه انسانی تغییر کرده است. بدین معنی که هر قدر سطح تحصیلات، آگاهی و مهارت بالا برود، می‌تواند موتور اصلی تحرك و توسعه باشد. متعاقباً در دهه‌های اخیر، خصوصاً دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بر سرمایه‌های علمی تأکید شده است که هر قدر علم و دانش پیشرفته‌تر و بالاتر باشد، منشأ تغییر و تحول خواهد شد. این ادبیات جدید خصوصاً از اواسط دهه ۸۰ میلادی و عمدتاً تحت تأثیر نظریات حضرت امام(ره) و الگوی انقلاب اسلامی، بیشتر روی بحث سرمایه اجتماعی متمرکز شده است. برجسته‌ترین ویژگی سرمایه اجتماعی، مشارکت است. مشارکت و حضور مردم، مهمترین بحث در سرمایه اجتماعی است. یعنی اگر تمام مؤلفه‌های مورد اشاره وجود داشته

باشد ولی مشارکت و حضور همه در عرصه‌های مختلف نباشد، اثرگذاری و تحول و پیشرفت صورت نخواهد گرفت. در بحث حاضر، خمیرمایه‌های خوبی برای این بحث ارائه شد ولی امروزه اگر به بحث سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود، بعد استراتژی‌های توسعه بیشتر مدنظر است. اگرچه مدتی است که بحث سرمایه اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی هم دیده شده ولی در ادبیات جامعه‌شناسی بیشتر به هنجارها، کارکردها و روابط اجتماعی پرداخته شده که می‌تواند خودش را در قالب نظم یا کاهش هزینه‌های اجتماعی نشان دهد.

سرمایه اجتماعی، موتور محرک تحول است، مشارکت و حضور هم مبتنی بر باور و اعتماد است. باور و اعتماد هم در بسترهای خاصی شکل می‌گیرد. اگر سطح اعتماد پایین باشد، هزینه‌های روابط اقتصادی بالا می‌رود چنانکه امروزه در مبادلات اقتصادی، تضمین‌های سنگینی گرفته می‌شود که ریشه در کاهش اعتماد دارد. فرمایش جناب آقای دکتر علی‌اکبری در مورد جامعه نمونه که دارای سرمایه اخلاقی است، متضمن سرمایه اجتماعی و روابط است. در بحث از مشارکت، مشارکت دارای کارکرد ارزشی است چون در جاهایی این کارکردها سرمایه ارزشی منفی ایجاد می‌کند (ولا تعاونوا علی الاثم و العداوان)، که در این شرایط چنین مشارکتی واجد ارزش نیست.

سرمایه اجتماعی و باور و اعتماد، غنای آن و شرایطی که برای یک جامعه مطلوب است و الهام‌بخشی و ویژگی‌های مورد اشاره آقای دکتر علی‌اکبری قطعاً می‌تواند جواب کارکردی بالایی داشته باشد ولی این بحث از منظری دیگر هنوز جای بحث دارد. توجه داشته باشیم که نقش سرمایه اجتماعی را در توسعه می‌بینیم و آن را بررسی می‌کنیم.

حرکت حضرت امام(ره)، آموزه‌های جالبی در مورد سرمایه اجتماعی دارد. امام(ره) با دست خالی حرکت خود را شروع کرد و یک رژیم ۲۵۰۰ ساله را ساقط کرد. امام اشاره می‌کرد که خون بر شمشیر پیروز است. دنیا متحیر شده بود که شاه که از نظر سرمایه‌های مادی، علمی، لجستیک، شهود و ... چیزی کم نداشت و نیروی انسانی متبحر و کارکرده هم داشت، چرا شکست خورد؟ علت پیروزی و موفقیت امام(ره) چیزی جز مشارکت مردم نبود که آن هم مبتنی بر باور و اعتماد بود. این باور و اعتماد هم بر پایه‌های حقانیت، صداقت، تدبیر، شفافیت و ... شکل گرفته بود. فتنه‌های بعد از انقلاب هم بر پایه همین باور و اعتماد و مشارکت مردم از بین رفت. مثلاً مادر، پسر منافق خود را معرفی می‌کرد، در حالی که دستگاه شنودی برای با خبر شدن از آن منافق وجود نداشت.

هدف من از ذکر این مطالب این است که در مقام بحث از سرمایه اجتماعی، به مباحث صرف جامعه‌شناسی و هنجارهای رفتاری و سازمانی منحصر نشویم. باید سطح بحث را از مناسبت‌های خرد بالاتر برد.

در مورد سرمایه اجتماعی، ادبیات زیادی می‌توان تولید کرد که هر یک از افراد صاحب‌نظر این عرصه چه گفته‌اند ولی ما به دنبال کارکردی از سرمایه اجتماعی هستیم که خودش را در مشارکت نشان می‌دهد. اگرچه مؤلفه‌هایی مانند انضباط هم می‌تواند خمیرمایه این کار تلقی گردد. با چنین ادبیاتی که به دستاوردهای سرمایه اجتماعی می‌پردازیم، آفت‌های آن را هم می‌توانیم احصاء کنیم. اگر عقلانیت، تدبیر و صداقت مورد هجوم قرار بگیرد، سرمایه اجتماعی دچار اختلال می‌شود. در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در ایران، صدا و سیما می‌تواند یکی از مؤلفه‌های افزایش‌دهنده سرمایه اجتماعی باشد ولی اگر شفافیت را از دست داده و به توجیح‌گر اشتباهات تبدیل شود، روی باور و اعتماد اثر گذاشته و کارکرد اجتماعی خودش را نخواهد داشت.

اعتمادی که ضربه خورده است، بایستی در سرمایه اجتماعی بازسازی شود. و یکی از عوامل آن صدا و سیما است. این نگاه ما را به مسیری راهنمایی می‌کند که بتوانیم اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله را با توجه به سرمایه اجتماعی مورد نیاز بررسی کنیم.

دکتر موسایی: با تشکر از مطالبی که جناب آقای دکتر علی‌اکبری ارائه دادند، به نظر می‌رسد این مطالب بیشتر حول محور اخلاق است. بایستی بررسی کرد که در حوزه حقوق، آیا اصول و قواعد دینی، خصوصاً در مسائل اقتصادی، تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی هست یا نه؟ به نظر من، از این جهت کاری که پیامبر اکرم (ص) کرده و جمع متفرقی را متحد کردند، بدون توجه به این حقوق نبوده است. این حقوق، فقط مربوط به مسلمانان هم نبوده است. در پیمان و منشوری که ایشان با یهودیان و منافقین (مسلمانان ظاهری) امضاء کردند، حقوق اقتصادی را برای آنها هم قائل شدند.

اخوت و مواردی مانند آن، درون‌گروهی بوده و مربوط به چنین مواردی که در ارتباط با دیگر ادیان و گروه‌ها است، نمی‌شود. حقوقی که در اینجا مدنظر است، از مجموعه‌ای از احکام استنباط شده و می‌تواند روابط برون‌گرویی را نیز تقویت کند:

«تقدم منافع جمع بر فرد به هنگام نزاحم این دو باهم»؛ اسلام در چنین مواردی معتقد

است که حق با جامعه است. بر همین اساس هم در حقوق اسلامی، این حق را برای جامعه و نماینده جامعه و حاکم اسلامی قائل شده‌اند که بتواند بر اعمال بنگاه‌ها و افراد نظارت داشته باشد تا این تقدم حفظ شود. حتی اگر حقوق فردی هم در نظر گرفته شود، باز به همین ترتیب است که این مطلب به تقویت سرمایه اجتماعی هم منجر می‌شود.

«**منع اختلال در نظام**»؛ از دیگر این موارد است که دارای قالب فقهی - حقوقی است. در حوزه اقتصاد هرگونه فعالیت مشروعی که ذاتاً مشروع باشد ولی در شرایط خاصی باعث اختلال در نظام گردد، به حکم حکومتی یا احکام قانونی، منع خواهد شد.

«**التزام به عهد**»؛ نکته دیگر در مورد اوفوا بالعقود است که نه تنها در مورد مسلمانان، بلکه اگر با غیر مسلمانان هم پیمانی بسته شود، باید به آن وفادار بود.

«**حاکمیت عدالت بر روابط اقتصادی**»؛ عنوان مهم دیگری است که می‌توان گفت تمام احکام اقتصادی اسلام را می‌توان در یک نقطه مشترک دانست که همان «حاکمیت روابط عادلانه» می‌باشد. «روابط عادلانه در مبادلات» ضروری است و از رعایت حقوق طرفین گرفته تا خیرات، همگی به خاطر رعایت عدالت است.

«**توزیع منابع به نفع جمع**»؛ از دیگر مسایل مهم است.

«**حقوق ویژه برای نیروی کار**»؛ نکته مهم‌تر اینکه اسلام برای عامل کار و نیروی انسانی حق ویژه‌ای قائل شده است، هم از لحاظ حقوقی و هم از نظر سهم‌بری در عوامل تولید و محدودیتی که برای سایر عوامل ایجاد کرده، برای نیروی انسانی ایجاد نکرده است. از منع ربا گرفته تا اجازه برخی از موارد اولیه برای حیا و احیاء که همگی نشان می‌دهد سهم نیروی کار بایستی عادلانه باشد.

همه این موارد از لحاظ حقوق نشان می‌دهد که اسلام به اجتماع و حقوق اجتماعی توجه داشته است و این موارد درون‌گروهی نبوده و میان گروه‌های دیگر هم بایستی اجراء گردد.

به نظر من آنچه که اسلام برای مسلمانان خواسته است، برابری از نوع برادری بوده است ولی آنچه برای رابطه مسلمانان با دیگران خواسته، فقط برابری بوده است. دین اسلام آنچه را که امروزه به آن سرمایه اجتماعی می‌گویند، فراهم کرده است. علت اینکه این مقوله را سرمایه نامیده‌اند این است که بتوان آن را در توسعه به کار برد. شاید سؤال و شبهه‌ای که در مورد درون‌گروهی بودن نظر اسلام در مورد سرمایه اجتماعی بیان شد را بتوان اینگونه که توضیح داده

شد، پاسخ داد.

دکتر عیوضی: هم‌چنان که پیش از این اشاره شد سرمایه اجتماعی دارای شخصیتی چند جانبه است که یکی از آنها توسعه است که باید در این زمینه به بررسی همه جانبه نسبت توسعه و سرمایه اجتماعی پرداخت. این مطلب همواره مورد توجه مباحث این فصلنامه قرار خواهد داشت، لیکن ورود به این عرصه نیز نیازمند بررسی همه جانبه سرمایه اجتماعی و منشأ شکل‌گیری آن در عرصه مطالبات جامعه‌شناسی است. سرمایه اجتماعی وقتی در کتاب «مرگ و حیات شهرهای بزرگ و کوچک آمریکا» توسط ژاکوب مورد بررسی قرار می‌گیرد، نگاه او به مرگ ارزش‌ها و هنجارهاست. نمی‌توان چنین مقوله‌ای را فقط نسبت به توسعه مورد ارزیابی قرار داد و یا بدون ملاحظه آن به توسعه پرداخت. در اینجا سعی خواهیم داشت به اختصار سؤالات میزگرد را بررسی نموده و نسبت آن را با توسعه شناسایی کنم.

در میزگردهای پیشین به این نتیجه رسیدیم که موضوع توسعه، انسان است و موضوع انسان هم جهات مختلف دارد، از جمله هویت. یکی از سؤالات این است که عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در ایجاد، تقویت، تضعیف و تخریب سرمایه اجتماعی کدام است؟ به نظر من سرمایه اجتماعی بایستی چارچوب‌بندی، طبقه‌بندی و ریز شود تا این عوامل را بتوان بررسی کرد.

از هر زاویه‌ای که به این بحث نگاه می‌شود، باید به بحث توسعه منتهی شود. قبلاً نظریه‌های سرمایه اجتماعی مطرح شد و بیان گردید که براساس برخی خصصت‌ها، نظریه‌ها و مدل‌هایی ساخته شده است. مثلاً آگاهی طبقاتی چیزی است که مارکس آن را سرمایه اجتماعی می‌نامد یا اعتماد ناشی از ضمانت اجرای دولت در جامعه که وبر آن را مطرح می‌کند، نظریه‌ای حائز اهمیت است. پویایی رابطه گروهی زیمیل هم به همین ترتیب؛ این نظریه‌ها که طبقه‌بندی و ارائه شد، دارای کلیدواژه‌هایی است که اگر بخواهیم از توسعه صحبت کنیم، در چارچوب و قالب این نظریه‌ها باید به بررسی آن پردازیم. اعتماد، ارزش، آگاهی، مشارکت و ... از جمله این موارد هستند. این نظریه‌ها به عنوان خمیرمایه‌های سرمایه اجتماعی مطرح هستند که به انسان و کمال آن مرتبط خواهند بود و سرمایه محسوب می‌شوند، چرا که تحقق آن در انسان و توسعه انسانی برای جامعه، سرمایه‌ای گرانبه‌تر محسوب می‌شود. جامعه در هر بعد از ابعاد توسعه‌ای که حرکت کند، قطعاً شاخص‌های ارزشمند سرمایه اجتماعی، شرطی مهم به شمار می‌آید. لذا از حیث کمی و کیفی توسعه در عرصه اقتصادی و سیاسی- فرهنگی، سرمایه اجتماعی که در چارچوب

نظریه‌های فوق لحاظ شده است، مورد توجه قرار خواهد داشت.

سؤال بعد در مورد عوامل مؤثر و تعیین‌کننده بر شدت و ضعف سرمایه اجتماعی است. در اینجا هم به سادگی نمی‌توان عوامل را احصاء کرد. برخی عوامل، نهادی هستند که در رأس آنها دولت مطرح است و زیرمجموعه آن تشکل‌ها، احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها است. در یک مرحله عامل ضعف و شدت سرمایه اجتماعی را بایستی در عوامل نهادی در سطح کلان نظام و در سطوح و لایه‌های اجتماعی بررسی کرد. چنانکه در بحث جامعه‌شناسی سیاسی ملاحظه می‌شود که موضوعاتی مانند احزاب، گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و ... موضوعاتی چالشی هستند و از ابتدای انقلاب تاکنون این نهادها توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده‌اند و اهمیت بهره‌برداری از این نهادها، مهم و درخور توجه است. بنابراین در بحث عوامل مؤثر بر نسبت‌های ۴ گانه، عامل نهادی اولین پاسخی است که می‌توان بدان اشاره کرد.

حوزه بعدی عوامل، عوامل خودجوش است. عوامل خودجوش، عواملی هستند که در متن جامعه به شکل عقلایی یا غیرعقلایی، فارغ از مدیریت‌ها و کنترل‌ها، اتفاق می‌افتد. مردم به صورت خودجوش قابلیت‌هایی را از خود بروز می‌دهند که دولت‌ها را هم غافلگیر می‌کند. رفتارهای سیاسی و مشارکتی مردم در برخی از انتخابات‌ها، رفتارهای خودجوشی و عقلانی است. در انقلاب اسلامی جلوه‌های بسیاری از این عوامل خودجوش را می‌توان مشاهده کرد. در جستجوی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، باید به دنبال عوامل خودجوش بود. باید ملاک‌ها و معیارهای تقویت آن را ساخت تا در چارچوب نگرش رفتاری نظام سیاسی جدی تلقی شود، چرا که هزینه اقتصادی بسیاری از همین عوامل خودجوش توسط مردم و شبکه‌های مردمی پرداخت خواهد شد. عامل خودجوش، یک پتانسیل و قابلیت پنهان، اما گسترده است. عامل دیگر، عامل بیرونی است. عوامل بیرونی، عواملی هستند که در محیط و فرهنگ ما نیستند و از بیرون بر سرمایه اجتماعی تأثیر گذاشته و آن را تقویت و یا تضعیف می‌کنند. مانند دین، ایدئولوژی، مذهب و ...، برای پاسخ به عوامل مؤثر، این موارد را هم باید کالبدشکافی کرد. امروزه یکی از مشکلات مهم با عرفان‌های منهای شریعت در کشور است که به حد بحرانی رسیده و از عوامل تضعیف‌کننده سرمایه اجتماعی است.

مسأله دیگر، عوامل طبیعی است. عوامل طبیعی هم از عواملی هستند که در سرمایه اجتماعی دخیل است. هر کدام از این قلمروها، بحث‌های مستقل خود را دارد. عوامل طبیعی مانند قومیت‌ها، نژاد و ... هستند که بدون کالبدشکافی نمی‌توان این امکانات بالقوه را در فرایند توسعه

به کاربرد.

اگر به دنبال عوامل تضعیف و یا تقویت سرمایه اجتماعی هستیم، باید نسبت‌های ۴ گانه عوامل تأثیرگذار، بررسی شود. در مورد کارکرد سرمایه اجتماعی هم باید گفت سرمایه اجتماعی با توجه به تعریفش، بیشتر بر عمده‌ترین کارکرد سرمایه اجتماعی، (که ریشه در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... دارد) تأکید می‌کند. به علاوه به نقش روابطی سرمایه اجتماعی بایستی توجه داشت که همان نقش شکل‌گیری شبکه‌ها و تعاملات اجتماعی است. بسیاری از بحث‌هایی که از آیات و روایات ارائه شده بر همین تأکید می‌کند که چه کار کنید تا ضریب ارتباطی خود را در جامعه در جهت مثبت و اهداف تعیین شده، افزایش دهید. یا چگونه شبکه‌هایی را بوجود بیاورید که آن شبکه‌ها بتواند برای توسعه اقتصادی در برابر نامالیقات آسیب‌ناپذیر باشد و یا امکانات توسعه کشور را ساماندهی، حمایت و نظارت کند.

مهندس نبوی: آیا روابط اجتماعی با کیفیت خاصی سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند یا اگر سرمایه اجتماعی باشد، روابط تولید خواهد شد؟ قاعدتاً بایستی سرمایه اجتماعی، حاصل نوعی از روابط باشد و یا امکانات توسعه کشور را سازماندهی، حمایت و نظارت کنیم.

دکتر عیوضی: به عقیده من، نسبت این دو نسبتی طرفینی است. یعنی اگر روابط سازماندهی شده و مبتنی بر شاخص‌های موجود در نظریه‌ها باشد، تبدیل به سرمایه اجتماعی می‌شود و هر چه سرمایه اجتماعی شدت پیدا کند، بر روابط اجتماعی هم اثر بیشتری می‌گذارد و حتی سطح کیفی این روابط را افزایش می‌دهد. از سویی روابط اجتماعی بین مؤلفه‌ها و متغیرهای اجتماعی است که در اینجا انسان به این روابط هویت می‌دهد. انسانی که در تحلیل ما، منبع سرمایه اجتماعی است.

دکتر موسایی: تحکیم برخی از روابط در سرمایه اجتماعی، محل توسعه است. مانند باندها و گروه‌هایی که تشکیل می‌شوند تا علیه مدیریت عمل کرده و مخرب باشند.

دکتر عیوضی: برای سرمایه اجتماعی مؤلفه‌های خاصی طراحی شده است که همگی می‌توانند بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار باشند. در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، اشاره مختصری دارم که سرمایه اجتماعی به طور کلی مفهومی است که باید شاخص‌سازی شود. سرمایه اجتماعی مفهومی انتزاعی است و اجماع در موردش در قالب تعریف عملیاتی و سنجه‌های تعریف شده‌ای بدست می‌آید.

این مسائل را در سه سطح باید دید: ۱- در سطح دولت ۲- در سطح نخبگان و فرهیختگان ۳- در سطح مردم. قطعاً در جاهایی که از خودآگاهی صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم این خودآگاهی را علی‌السویه بین این سطوح تقسیم کنیم. اگر اینگونه بود بسیاری از تحولات جامعه، در قالب نظریه دورکیم، «انسجام و همبستگی در رخدادهای پیشرو» بوجود می‌آمد، لذا این سه سطح را باید جدای از هم بینیم. تفاوت بین ۳ سطح از حیث کمی و کیفی قطعاً در تحلیل جامعه‌شناختی ما در خصوص سرمایه اجتماعی مؤثر است.

بر طبق برخی نظریه‌ها از جمله انسجام درونی، مدیریت شایسته سرمایه اجتماعی می‌خواهد ما را به چه چیزی برساند؟ از کجا شروع می‌کنیم و به کجا خواهیم رسید؟ یک جواب، توسعه است. یعنی انتظار از سرمایه اجتماعی این است که روند توسعه را تسریع نماید. به نظر بنده سرمایه اجتماعی فرصت‌ساز است، یعنی شرایط محیطی را مستعد و مناسب می‌کند. اما قالب و شکل بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی باید قالب انسان باشد. یعنی سرمایه اجتماعی قادر نیست که ما را صرفاً به توسعه اقتصادی برساند، یکی از چالش‌های سی سال گذشته هم در همین حوزه قابل رؤیت است. مثلاً برخی از سیاست‌ها که صرفاً نگاه اقتصادی به توسعه داشته‌اند، قرین به توفیق نبوده‌اند. چرا که انسان دارای جنبه‌های مختلف است. سرمایه اجتماعی در بحث توسعه باید در اهداف درازمدت توسعه پایدار دیده شود و در قلمروهای توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، و ابعاد مختلف توسعه به کار گرفته شود. شاید مهمترین نگرش نسبت به توسعه و سرمایه اجتماعی توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی است، یعنی سرمایه اجتماعی در خدمت توسعه انسانی قرار گیرد. سرمایه اجتماعی که منشأ مردمی دارد، در خدمت توسعه‌ای که موضوع آن انسان است، قرار می‌گیرد و از همین جا اهمیت بحث مدیریت سرمایه اجتماعی مشخص خواهد شد.

مطلب دیگر اینکه سرمایه اجتماعی بایستی ما را به سمت یک هویت مستقل و بومی که تجلی آن در هویت ملی دیده شده، هدایت کند که متناسب با انقلابی است که در این کشور شکل گرفته و الا ما همیشه چنین چالشی را در جامعه خواهیم داشت. لذا بحث هویت ملی و نسبت آن با سرمایه اجتماعی از بحث‌های مهم است. به نظر من جامعه‌ای که دارای میزان بالایی از سرمایه اجتماعی باشد، میزان هویت ملی‌اش هم ارتقاء خواهد یافت، البته به شرط بهره‌برداری مناسب از آن.

نسبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار، نسبت سرمایه اجتماعی و هویت ملی، نسبت سرمایه اجتماعی و اصلاحات اجتماعی از مسایل مهمی هستند که در این موضوع قابل طرح است مثلاً

اصلاحات از مبانی زیرساختی دینی است و سرمایه اجتماعی باید طوری مدیریت شود که ما را به اصلاحات اجتماعی برساند. نکته دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران عبارت است از بومی شدن استراتژی‌های ما. بومی شدن استراتژی می‌تواند به صورت عمیق و جدی از امکانات سرمایه اجتماعی با همان سبک و سیاق بهره‌مند شود.

به عنوان نتیجه باید اشاره شود در هدفمندی سرمایه اجتماعی باید چهار هدف اساسی و کلیدی را مدنظر قرار دهیم؛ توسعه پایدار، هویت ملی، بومی شدن استراتژی‌ها و اصلاحات اجتماعی. باید توجه داشت بدون توجه به سرمایه اجتماعی، هرگونه سرمایه‌گذاری نتیجه قابل توجهی نخواهد داشت.

سرمایه اجتماعی شرط کافی برای سایر سرمایه‌گذاری‌ها در کشور است. دولت‌ها تنها نباید سعی داشته باشند سرمایه اقتصادی را افزایش دهند، بلکه بدون سرمایه اجتماعی هرگونه افزایش سرمایه اقتصادی و سایر سرمایه‌ها نتیجه‌بخش نیست و مهمترین تهدید زمانی است که با سوء مدیریت و با اعمال رفتارها و اقدامات نامناسب، سرمایه اجتماعی در جامعه تضعیف شود. لذا یک دولت توسعه‌خواه، نیرومند و قوی نقش فعالی در زمینه تشکیل سرمایه اجتماعی به عهده خواهد داشت. در این راستا توسعه اقتصادی شرط لازم و سرمایه اجتماعی شرط کافی و مکمل محسوب می‌شود.

دکتر موسایی: نکته مهم این است که اگر نظام می‌خواهد که این مفاهیم کلیدی بومی شود و در اصلاح و توسعه جامعه تأثیر داشته باشد، بایستی برای آن هزینه کرد.

با توجه به پاسخ‌های ارائه شده برای سؤالات می‌توان در پایان سؤال هشتم را یادآور شد که رابطه علی بین سرمایه اجتماعی و توسعه به چه صورت است؟ جناب آقای دکتر موسایی!

دکتر موسایی: اهمیت مباحث سرمایه اجتماعی در توسعه از لحاظ نظری و رابطه این دو را می‌توان بدین صورت تبیین کرد که زمانی که سرمایه اجتماعی وجود دارد، کنش‌های اجتماعی تسهیل می‌شود و حداقل فایده اقتصادی آن، کاهش هزینه مبادلات و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در تولید است. هنگامی که اعتماد اجتماعی وجود دارد، فرد می‌تواند به راحتی صاحب سرمایه شود، بدون اینکه عملاً سرمایه‌ای داشته باشد. نمونه ساده آن را در روابط میان

تجار می‌توان دید. بین تجاری که به هم اعتماد دارند، شبکه‌ای وجود دارد که کالا و جنس را به هم تحویل داده و بعداً پول آن مبادله می‌شود.

ایجاد ثبات و انسجام اجتماعی، شرط لازم برای سرمایه‌گذاری است که از آن تحت عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. همکاری و مشارکت اجتماعی نیز یکی از پیش شرط‌های توسعه در دنیای امروز است. انسان‌ها در عمل اجتماعی، اصطکاک‌هایی باهم دارند که هزینه‌ای دارد. این هزینه‌ها ریسک کالا را بالا برده و وجود سرمایه اجتماعی این ریسک‌ها را کاهش می‌دهد و عملکرد بازار افزایش پیدا می‌کند. مثال ساده آن این است که صادرات چین ظرف ۲۰ سال، ۴۰۰ برابر شده است. در برخی از مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که علت این امر، شبکه‌های رابطه چینی‌ها است که در سراسر دنیا حضور دارند و به این مبادلات کمک کرده‌اند.

از نظر تئوریک اگر جامعه‌ای انسجام لازم را نداشته باشد، این آمادگی را هم ندارد که تحولات اجتماعی در آن شکل بگیرد و باقی بماند ولی قضاوت قطعی نظری در مورد رابطه توسعه و سرمایه اجتماعی زمانی ممکن است که سرمایه اجتماعی را در یک بازه زمانی طولانی و در کشورهای که به توسعه رسیده‌اند، بررسی کنیم چون بسیاری از این متغیرها در فرآیند توسعه، دچار تغییر شده و بعد بهبود پیدا می‌کنند. مطالعات نشان داده است که بسیاری از عناصر مربوط به سرمایه اجتماعی در ابتدا در بسیاری از کشورها تخریب شده و بعد دوباره بازسازی شده است. بنابراین برای قضاوت نهایی در مورد اینکه آیا توسعه با سرمایه اجتماعی رابطه دارد یا ندارد، بایستی زمان طولانی‌تری را در نظر داشت، ولی در ایران ثابت شده است که هر استان و هر منطقه‌ای که توسعه یافته‌تر است، سرمایه اجتماعی کمتر و فقیرتری دارد. به عنوان مثال استان سیستان و بلوچستان که کمتر از تمام استان‌های کشور توسعه یافته است، بالاترین سرمایه اجتماعی را در ایران دارد. ولی در این مورد قضاوت نهایی نمی‌توان داشت و باید در درازمدت به چنین روندی توجه داشت. اما نکته مهم این است که تصور نکنیم سرمایه اجتماعی آنقدر مهم و تأثیرگذار است که مشکل توسعه را در کشور حل می‌کند.

آقای خاندوزی: در پاسخ به این سؤال که رابطه علی میان سرمایه اجتماعی و توسعه، از کدام طرف است، برخی معتقدند اگر سرمایه اجتماعی ارتقاء پیدا کند، جامعه موانع توسعه‌نیافتگی را سریع‌تر طی می‌کند و توسعه یافته می‌شود. برخی نیز معتقدند که میان این دو، دور بسته‌ای وجود دارد که از آن خروجی نداریم و هر قدر که جامعه توسعه یافته‌تر شود، سرمایه اجتماعی نیز

افزایش پیدا می‌کند.

دکتر خوش‌چهره: پیش‌شرط، بستر و الزام توسعه، سرمایه اجتماعی است ولی در فرآیند توسعه، سرمایه اجتماعی هم افزایش پیدا می‌کند، پیش‌شرط و الزام توسعه، باور و اعتماد است که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. یعنی سرمایه اجتماعی در درجه اول، بستر است و در مرحله‌ای دیگر تبدیل به موتور محرک جریان توسعه می‌شود. بعد که توسعه صورت می‌گیرد و نهادها و تغییرات انجام می‌گیرند، سرمایه اجتماعی هم در اثر توسعه، افزایش پیدا می‌کند. ایجاد سرمایه اجتماعی، بستر و مقدمه توسعه است ولی توسعه نمی‌تواند باعث ایجاد سرمایه اجتماعی شود، بلکه توسعه عامل افزایش سرمایه اجتماعی است.

با سپاس از حضور تمامی اساتید محترم و آرزوی موفقیت‌های روزافزون، این

میزگرد را به پایان می‌بریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی